



تاکتیک‌های جنگ
دفاع از مرزهای اسلام
در دعای اهل الشوری و امام سجاده علیه السلام



تألیف آیت الله علامه سید جعفر مرتضی عاملی

ترجمه: دکتر حسن مجیدی

عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری

مطهره محسن بیگی

www.kitab.ir

تقدیم به:

ساحت گرامی سید الساجدین، امام العارفین علی بن الحسین علیه السلام



شرح و تفسیر کتاب

سرشناسه عاملی، جعفر مرتضی
عنوان قراردادی صحیفه سجادیه: دعای اهل الثغور، شرح
سیاسة الحرب في دعاء اهل الثغور؛ منطلقات و جوابات فارسی
عنوان و نام پدیدآور تاکتیک‌های جنگی دفاع از مرزهای اسلامی در دعای اهل الثغور، امام سجاد علیه السلام / سید جعفر مرتضی عاملی؛
مترجمان حسن مجیدی، مطهره محسن بیگی

مشخصات نشرقم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری ۲۰۸ ص.

شابک ۱-۷۲۶-۵۳۱-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی فیبا

یادداشت کتابنامه: ص ۲۰۳ - ۲۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع علی بن حسین علیه السلام، امام چهارم، ۳۸ - ۹۲ ق. صحیفه سجادیه. دعای اهل الثغور - نقد و تفسیر

موضوع جنگ - جنبه‌های مذهبی - اسلام

موضوع سیاست و جنگ

موضوع سیاست و جنگ - کشورهای اسلامی

شناسه افزوده مجیدی، حسن، مترجم

شناسه افزوده محسن بیگی، مطهره، مترجم

شناسه افزوده علی بن حسین علیه السلام، امام چهارم، ۳۸ - ۹۲ ق. صحیفه سجادیه. دعای اهل الثغور. شرح

شناسه افزوده نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف

رده بندی کنگره ۱۳۹۲ ۳۰۴۲۳۵۵ ص ۸/۱/۱ BP۲۶۷

رده بندی دیویی ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی ۳۶۴۰۸۷۷



ناقص

تألیف: آیت‌الله علامه سیدجعفر مرتضیٰ علم‌الحلی، ترجمه

دکتر حسن مجیدی و مطهره محسن بیگی
حسن مولوی طراح جلد ۱، کبیرزاده ناشر دفتر نشر
معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری،
دانشگاهها) نوبت چاپ اول، ۱۳۹۴/۱۰۰۰ نسخه قیمت
۸۳۰۰ تومان شابک ۹۷۸-۹۶۵-۵۳۱-۷۲۶-۱

مراکز پخش:

دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۳۷۷۳۵۵۱، یاتوق کتاب قم، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۳۷۷۸۰۰۰۴، یاتوق کتاب قم، ابن خیابان شهید، روبه روی
در دانشگاه‌ها، تلفن: ۳۳۹۰۴۴۰، یاتوق کتاب تهران خیابان انقلاب، چهارراه کالج، پلاک ۷۱۵، تلفن: ۸۸۰۳۳۱۳، یاتوق کتاب شیراز سیما
سعادی، بین چهارراه فولادنوار و چهارراه مشیرنو، پلاک ۱۵۰، تلفن: ۷۱۳۲۲۴۶۱۵، یاتوق کتاب مشهد چهارراه شهید خیابان آیت‌الله بهجت، نیش کوچه
هفتم، تلفن: ۵۱۳۳۲۲۰۱۱۹، یاتوق کتاب کرمانشاه چهارراه مدرس، خیابان پزشکان، پلاک ۲۲، تلفن: ۸۳۳۱۲۳۸۵۱۱، یاتوق کتاب کرمان خیابان شهید
مطهری، بین کوچه ۵۴ و ۵۶، تلفن: ۳۴۳۲۳۴۶۶۶، یاتوق کتاب رشت خیابان امام خمینی، روبروی بانک رفاه، تلفن: ۱۳۳۳۳۳۰۰۰۰، یاتوق کتاب تبریز
میدان سامت، انتهای خیابان مقصودیه، جنب سازمان فناوری اطلاعات شهرداری، تلفن: ۴۱۳۵۵۷۰۰۰، یاتوق کتاب گنبد کاووس خیابان باغی، به سمت میدان
سیاه، بعد از زیرگذر، جنب هلال احمر، ساختمان دی، طبقه زیرزمین، تلفن: ۲۳۴۴۴۴۵۲۹، یاتوق کتاب شهرکرد خیابان ولی عصر، بالاتر از سه راه
سیما، تلفن: ۳۸۳۲۲۴۴۲۲۲، یاتوق کتاب قزوین چهارراه نیاد شهید، روبروی بانک سپه و بانک مهر اقتصاد، تلفن: ۲۸۳۳۳۳۳۸۰، یاتوق کتاب ساری
میدان شهید، خیابان ۱۸ دی، روبروی مسجد امام حسین، تلفن: ۱۱۳۳۳۳۳۰۲۰، یاتوق کتاب ارومیه تقاطع خیابان رسالت و دستغیب، نیش چهارراه
عافی، تلفن: ۴۴۳۳۳۵۵۲۲، یاتوق کتاب اراک خیابان امام خمینی، خیابان میرزا شیرازی (مسجد سیدها)، ساختمان حوزه علمیه خواهران، تلفن
۸۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳، یاتوق کتاب اصفهان چهارراه تختی، خیابان مسجد سید، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۲۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳، یاتوق کتاب اردبیل سه راه
دانش، خیابان اسماعیل بیگ، جنب بانک ایران زمین، تلفن: ۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳، یاتوق کتاب بیرجند خیابان پاسداران، نیش پاسداران ۱۹، پلاک ۵۴، تلفن
۵۶۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳، یاتوق کتاب ایلام خیابان آیت‌الله حدادی، روبروی مسکن و شهرسازی استان، تلفن: ۹۱۰۷۷۵۵۱۸۸، یاتوق کتاب کرگان مقابل پارک
شهر، کوچه یوغلی، تلفن: ۱۷۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳، یاتوق کتاب اهواز خیابان نادری، خیابان شهید سراج، ساختمان پاس، طبقه همکف، تلفن: ۹۱۰۷۷۵۵۱۶۴،
یاتوق کتاب بندرعباس خیابان دانشگاه، جنب مؤسسه اعتباری عسکریه، پاساژ کاکتوس، تلفن: ۷۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳، یاتوق کتاب بوشهر خیابان امام خمینی،
جنب حوزه علمیه امام خمینی، تلفن: ۹۱۷۶۶۶۶۶۶۶۶، یاتوق کتاب رزجان خیابان امام خمینی، جنب آمادوزه سیدابراهیم، تلفن: ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
یاتوق کتاب خرم آباد خیابان شهید مطهری، سه راه اول، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۹۱۰۷۷۵۵۱۷۴،
یارگاه اینترنتی ketabroom.ir نشانی اینترنتی info@ketabroom.ir

فهرست

۷ مقدمه
۹ درآمد و پیشگفتار
۹ امام سجاد <small>علیه السلام</small> و اوضاع زمان ایشان
۱۲ وضعیت شیعه در زمان امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۱۴ زبان دعا، تنها سلاح امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۱۷ تاریخ زبان دعا
۱۹ اثرات دعا
۲۰ معرفی صحیفه سجادیه
۲۱ سند صحیفه
۲۲ نیایش‌های امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۲۳ دعا برای مرزداران
۲۳ سیاست‌های جنگی امام سجاد <small>علیه السلام</small> در دعا
۲۳ ۱. تأکید زیاد بر ایجاد امنیت و حفظ مرزها
۲۳ ۲. تأکید بر کمیت و کیفیت نیروها و اسلحه و تجهیزات
۲۴ ۳. فراهم نمودن پی در پی تدارکات برای مرزداران
۲۴ ۴. تأکید بر ایجاد الفت و مهربانی میان سپاهیان
۲۵ ۵. ضرورت کسب اطلاعات کافی از دشمن

۲۵.....	۶. تقویت ایمان و اراده سپاهیان در هنگام رویارویی با دشمن
۲۶.....	۷. برخی از سیاست‌های کلی امام <small>علیه السلام</small> جهت ناتوان ساختن دشمن در قالب دعا
۲۶.....	۸. برخی از سیاست‌های ویژه امام <small>علیه السلام</small> در مقابله با دشمن
۲۷.....	۹. ضرورت مشارکت همگانی مردم در امر دفاع از مرزها
۲۸.....	۱۰. نفی هرگونه جنگ طلبی و مشروعیت جنگ توحیدی
۲۸.....	۱۱. بیان ویژگی‌ها و صفات لازم برای مرزداران
۳۳.....	نتیجه بحث
۳۵.....	سخن مترجمان
۳۷.....	پیشگفتار مؤلف
۴۱.....	مقدمه مؤلف
۵۳.....	دعاء اهل الثغور
۵۷.....	فصل اول: قبل از نبرد
۷۱.....	فصل دوم: در هنگام مقابله
۸۳.....	فصل سوم: سیاست جنگ
۹۷.....	فصل چهارم: وضعیت کلی اردوگاه دشمنان
۹۹.....	اختلاف عملکرد، تابع اختلاف دیدگاه است
۹۹.....	دوگانگی معیارها (معیارهای دوگانه)
۱۰۹.....	فصل پنجم: حالت کلی اردوگاه اهل ایمان
۱۱۹.....	فصل ششم: سیاست و اهداف
۱۲۹.....	فصل هفتم: آنچه که ما آن را در میان دشمنان آرزو داریم
۱۳۳.....	فصل هشتم: دشمنان به مثابه افراد
۱۴۳.....	فصل نهم: دشمنان در هنگام مقابله
۱۵۱.....	فصل دهم: آنچه که ما از مجاهد و مرزدار در میدان‌های جنگ انتظار داریم
۱۶۹.....	فصل یازدهم: نکاتی درباره آغاز و پایان جنگ
۱۷۷.....	فصل دوازدهم: جانشینی مجاهد و مرزدار چگونه است؟
۱۸۷.....	فصل سیزدهم: کسی که در جنگ شرکت نمی‌کند
۱۹۷.....	فصل چهاردهم: آنچه که دعا به واسطه آن مستجاب می‌شود
۲۰۳.....	منابع و مأخذ
۲۰۳.....	کتاب‌ها
۲۰۷.....	مقالات

مقدمه

هر یک از ائمه علیهم‌السلام بر حسب شرایط زمان و مقتضای دوران حیات خود، رسالت امامت و رهبری خود را پیش بردند و هرگز شرایط زمانه مانع آنان از ایفای نقش پیشبرد اسلام نگردید. برای امام سجاد علیه‌السلام شرایط و اوضاعی پدید آمد که بهترین راه، بلکه تنها روش برای ایفای رسالت، برگزیدن زبان و سلاح دعا بود.

بررسی اندیشه‌های سیاسی معصومین علیهم‌السلام از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما به نظر می‌رسد که این اهمیت در مورد اندیشه‌های امام زین‌العابدین علیه‌السلام بیشتر از دیگران است و از دلایل آن، تصورات غلطی است که از امام چهارم علیه‌السلام در ذهن مردم وجود دارد؛ تصویری دال بر اینکه امام فردی بوده که بخش زیادی از عمر شریف خود را به بیماری گذرانده و به غیر از قلمرو دعا و مناجات، به عرصه دیگری وارد نشده است. به منظور ردّ چنین توهماتی، رساله حاضر تلاش می‌کند تا به سیاست‌های جنگی امام سجاد علیه‌السلام در قالب دعا بپردازد.

محور اصلی این رساله، ترجمه کتاب «سیاسة الحرب فی دعاء اهل الثغور» اثر علامه سید جعفر مرتضی‌العاملی است؛ از آن جا که ترجمه هر کتابی، داشتن اطلاعات کافی مرتبط با موضوع کتاب را ایجاب می‌کند بر خود لازم دانستیم تا قبل از وارد شدن

به حیطة ترجمه کتاب، مقاله‌ای را تحت عنوان همین کتاب آماده سازیم تا در روند ترجمه و مطالعه این کتاب سودمند افتد. به همین منظور با مطالعه کتاب‌ها و مقالاتی که در این زمینه نوشته شده است و نیز پس از بررسی اوضاع و شرایط زمان امام سجاد علیه السلام، روی آوری ایشان به زبان دعا و سیاست‌های جنگی امام سجاد علیه السلام را در دعا برای مرزداران به طور کلی مورد بررسی قرار دادیم و سپس وارد حیطة اصلی رساله یعنی ترجمه شدیم.

این کتاب تا به امروز به زبان فارسی ترجمه نشده است؛ همچنین تعداد منابع فارسی مرتبط با این موضوع بسیار محدود است. منبع اصلی ترجمه کتاب، «فرهنگ لغت» آذرتاش است که در کنار آن از کتب اصول ترجمه نیز استفاده شده است.

www.ketab.ir

درآمد و پیشگفتار مترجمان
 قبل از وارد شدن به حیطه ترجمه کتاب، لازم است مطالبی مرتبط با موضوع کتاب را از نظر بگذرانیم. این مطالب در قالب مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست جنگی امام سجاد علیه السلام در دعا» تدوین شده که در ذیل بیان می‌گردد.

امام سجاد علیه السلام و اوضاع زمان ایشان
 زندگی امامان علیهم السلام تجسم کامل حیات اسلامی و روح پر معنای رهالت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است. آن بزرگواران در تمامی حالات با التزام کامل به اجرای فرمان حق و رعایت عدالت و موازین شرعی، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فکری زمان خویش را در نظر گرفته و با وجود محدودیت‌های زمانه به انجام وظایف خویش پرداخته و نشان داده‌اند که حقیقت واحده «امامت» در اوضاع و احوال مختلف به صورت‌های گوناگون عرضه شده است.^۱

چهارمین امام معصوم حضرت علی بن الحسین علیه السلام، - شخصیتی که جد بزرگوارشان حضرت علی علیه السلام، ایشان را بهترین اهل زمین بعد از پدرشان معرفی نموده‌اند - در سال ۳۸ هـ در مدینه منوره چشم به دنیا گشودند. مادر مکرمه آن حضرت بنا بر قول

۱. حسینی میرضی، ۱۳۸۹ ش.

صحیح و مشهور، جناب شهربانو، دختر آخرین پادشاه سلسله سامانی «یزدگرد سوم» بوده‌اند. دوران کودکی حضرت در زمان جد بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و عموی ارجمندشان امام حسن علیه السلام گذشت و در دوران نوجوانی تا شهادت پدر بزرگوارشان حضرت امام حسین علیه السلام که حدود ده سال به طول انجامید، در خدمت پدر و به همراه حضرت بودند.^۱

پس از واقعه جانکاه عاشورای سال ۶۱ هـ و شهادت حسین بن علی علیه السلام، مسئولیت زمامداری مسلمانان و امامت امت از جانب خدا به او واگذار شد و امام در دوره پُر تلاطم حیات خویش با خلفای جائز و سفاکان متغلب کم‌نظیری مانند یزید بن معاویه، عبدالله بن زبیر، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان بن حکم و ولید بن عبدالملک معاصر بود. بسیاری از سیره‌شناسان معصومین علیهم السلام، دوران امامت حضرت سجاد علیه السلام را مصادف با یکی از پُر محنت‌ترین و سیاه‌ترین دورانی دانسته‌اند که بر یکی از اهل بیت علیهم السلام گذشته است و در این دوره جو اختناق، ناامنی و سفاکی نسبت به امام و شیعیان و انحراف از سیره نبوی و علوی به اوج خود رسیده بود. زمامداران بدون پنهان‌کاری‌های قبلی، آشکارا سیاست‌های پلید غیراسلامی و انسانی خود را با بازگشت مفتخرانه به رفتارهای عصر جاهلی و قبیله‌ای دنبال می‌کردند و با مخالفین خود به وحشیانه‌ترین شکل برخورد می‌نمودند.^۲

بنابراین تقدیر بر این بود که امام زین‌العابدین علیه السلام پس از شهادت پدرش مسئولیت زمامداری و رهبری معنوی امت را بر عهده بگیرد. وی در نیمه دوم قرن اول - یکی از حساس‌ترین برهه‌های حیات امت - این مسئولیت را بر عهده گرفت. این مرحله، دوران پس از فتوحات اولیه اسلامی بود. مسلمانان طی نیم قرن، رهبری بخش اعظمی از جهان متمدن آن روز را بر عهده گرفتند. اگرچه تسلط بر آن قلمرو گسترده، مسلمانان را به یکی از ابرقدرت‌های سیاسی و نظامی جهان تبدیل کرد، اما آنان را خارج از حوزه مسائل سیاسی و نظامی با دو خطر بزرگ مواجه نمود که لازم بود با

۱. دعایی، ۱۳۸۰ ش؛ ص ۱۹.

۲. اخوان کاظمی، ۱۳۸۶ ش؛ صص ۱۲۴ و ۱۲۳.

قدرت با آن‌ها مقابله شود.

اولین خطر «تأثیرپذیری مسلمانان» از فرهنگ‌ها، سنت‌ها و شرایط اجتماعی گوناگون ملت‌هایی که فوج فوج به اسلام می‌پیوستند، از طریق تعامل با آنان بود. در این شرایط باید کار علمی انجام می‌شد تا به مسلمانان تأکید شود که تفکر و هویت تشریعی ویژه برآمده از کتاب و سنت است که اصالت دارد.

دومین خطر، «موج رفاهی» بود که در پی آن فتوحات پُردامنه، جامعه اسلامی را فراگرفته بود. موج رفاه، هر جامعه‌ای را با خطر درگلتیدن به لذات دنیوی، اسراف در زینت‌های این زندگی محدود و خاموش شدن وجدان اخلاقی و ارتباط روحی با خدا و قیامت و هدف‌های بزرگی که این ارتباط فراروی انسان قرار می‌دهد، مواجه می‌کند؛ و این در عمل رخ داده بود.^۱

از جمله ویژگی‌های دوران زندگی امام سجاد علیه السلام که دوره تعقیب و ادامه کار نیمه مخفی شیعه به رهبری امامان معصوم علیهم السلام، در برنامه‌هایی دراز مدت بود به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

الف) نومی‌دئ ائمه علیهم السلام از پیروزی حرکت مسلحانه. [به دلایل مختلف از جمله آماده نبودن بستر قیام و قلت یاران و...]

ب) کوشش سازنده به امید ایجاد حکومت الهی اسلامی توسط خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در دراز مدت.

ج) زمینه‌سازی برای رسیدن به این هدف از رهگذر کار فرهنگی و تربیت نیروی انسانی مناسب و مورد لزوم.

د) تبیین تفکر اصیل اسلامی و نشان دادن بدعت‌ها و تحریف‌ها.^۲

پس همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، جهان اسلام در عصر امامت حضرت سجاد علیه السلام یکی از اسفبارترین دوران خود را سپری می‌کرد. از نظر نظام سیاسی حاکم، بخش وسیعی از قلمروی اسلامی تحت حاکمیت و سیطره دودمان اموی قرار

۱. مرکبی، ۱۳۹۲، ش: ص ۲۲.

۲. حسینی میرصفی، ۱۳۸۹، ش: ص ۲۰۷.

داشت که اینان پلیدترین، سفاک‌ترین و جسورترین والیانی بودند که در ضدیت با ارزش‌های بنیادین اسلامی و هدم و نابودی تعالیم نبوی برای خود هیچ حد و مرزی نمی‌شناختند و سلطنت و حکمرانی آنان بر مبنای همین فلسفه پایه‌گذاری شده بود که با گرفتن انتقام از دودمان پیامبر برای حقد و کینه‌های انباشته خود از شکست‌های دوران ظهور اسلام، درمانی فراهم آوردند. از حاکمیت معاویه بن اَبی‌سفیان که بگذریم، دوران امامت امام سجاد علیه‌السلام مقارن است با سلطنت یزید بن معاویه که با همه کوتاهی آن، ابتدا با به شهادت رساندن حضرت امام حسین علیه‌السلام آغاز شد و در ادامه آن حمله ددمنشانه به مدینه النبی و مکه معظمه اتفاق افتاد که فجایع حاصل از آن روی تاریخ را سیاه نمود.^۱

در پرتو بررسی گذرای اوضاع زمانه امام سجاد علیه‌السلام به دست می‌آید که آن حضرت به عنوان بازمانده جریان عاشورا و امام شیعیان و بزرگ بنی هاشم تا چه حد مورد سوء ظن دستگاه حاکم قرار داشته و چگونه کوچکترین حرکت سیاسی رو در رو با نظام سیاسی موجود می‌توانست به برخورد شدید، تا حد به شهادت رسیدن ایشان، منجر شده و نظام ولایت و امامت و جریان حق را دچار ضایعه جبران‌ناپذیر نماید.^۲ حال با توجه به اینکه حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام به شدت مورد سوء ظن دستگاه اموی بودند، مهم‌ترین اصلی که حضرت در برهه‌ی آن، خود و شیعیان‌شان را از اقدامات خشن اموی‌ها محافظت نمودند، «اصل تقیه» بود.^۳

وضعیت شیعه در زمان امام سجاد علیه‌السلام

شیعه به ویژه در دوران امام زین‌العابدین علیه‌السلام با دشواری‌های فوق‌العاده‌ای روبه‌رو بودند، زیرا ستم بر تمامی خانه‌ها و سرنوشت‌های آنان چیره گشته بود و آن‌ها توان هیچ گونه مبارزه عملی و یا تلاش را نداشتند. چه، آخرین قیامی که امام حسین علیه‌السلام بر ضد دستگاه حکومت ظالم و ستمگر اعلام کرد، به طرز خونین سرکوب شد و

۱. دعایی، ۱۳۸۰، ش: صص ۱۴۲-۱۴۳.

۲. رک: همان، ص ۱۴۵.

۳. همان، صص ۱۴۹-۱۴۷.

همه افراد آن به شهادت رسیدند و از میان آن‌ها تنها یک نفر باقی ماند که او امام زین العابدین علیه السلام بود.^۱

از مسائل مهمی که عقول در آن روزگار نسبت به موضع امام علیه السلام در آن حیران بودند، داستان نهضت‌ها و قیام‌هایی بود که در عصر حضرت اتفاق افتاده و در آن عده‌ای روی به امام آورده و مُصْرَانه از او خواسته بودند که رهبری و هدایت آن را پذیرا شود یا لااقل پس از پیروزی، امر سرپرستی آن را در رأس یک حکومت ناشی از انقلاب پذیرا شود، ولی امام آن را با تمام جدیت رد می‌کرد و هرگز در این زمینه، آشکارا لوایی را بر نیفراشت. اینکه چرا امام آن دعوت‌ها را رد می‌کرد، دلایلی وجود دارد که امروزه بهتر می‌توان از آن‌ها سردرآورد و ما نمونه‌هایی از آن علل و اسرار را که برداشتی از سخنان و مواضع امام است، با رعایت اختصار عرضه می‌کنیم:

۱. مساعد نبودن زمینه برای قیام
۲. بی‌تفاوتی اکثریت و حرکت اقلیت که حاصل آن از میان رفتن بقایا و ذخایر اسلام بود،
۳. احساس این مسأله که برخی از مدعیان هدف خدایی ندارند و تنها دوست دارند امام را به عنوان وسیله و ابزاری برای هدف خود برگزینند.
۴. احساس این مسأله که در آن عصر و شرایط، از راه روشنگری و آگاهی‌بخشی و بیان و ارائه مظلومیت که خط غافل نگهدارنده خصم بود، بهتر و بیشتر می‌شد به پیش رفت.
۵. نیاز به فرصت و زمان برای بیدار کردن وجدان‌های خفته تا قیام و حرکت آن‌ها آگاهانه باشد.
۶. روشن نبودن حق برای عده‌ای از عامه تا حدی که - به عقیده برخی مورخان - افرادی چون مختار ثقفی در امر امامت و رهبری سردرگم بودند و امام چون دعوت او را نپذیرفت، او به سوی محمد حنفیه روی آورد.
۷. استفاده از تجربه عصر حضرت علی علیه السلام و حضرت مجتبی علیه السلام و عصر پدرش در

مسأله حرکت و استفاده از تجربه تلخ قیام توأیین در کوفه و واقعه حره در مدینه .
 ۸. استفاده از این امر که به هنگام برخورد دو جریان زبان آور، لاقبل باید جنبه‌ای را پذیرفت که زبان کمتر و نفع بیشتری را به همراه داشته باشد و احساس او این بود که قیام او در آن عصر، زوال کلی شیعه را به دنبال خواهد داشت.^۱

در این شرایط این سؤال مطرح می‌شود که آیا امام علیه السلام می‌توانست دست به مبارزات سیاسی و فعالیت‌های گسترده فرهنگی و اجتماعی بزند؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است؛ به دو دلیل: ۱. جوّ اختناق و کنترل شدیدی که حکومت‌ها پس از شهادت امام حسین علیه السلام به وجود آورده بودند؛ این اختناق سبب شد مبارزات سیاسی و مسلحانه نتیجه‌ای جز هدر رفتن نیروها نداشته باشد. ۲. شرایط ناسالم فرهنگی آن روزگار؛ بر اثر فعالیت‌های ناسالم حکومت‌های وقت و انگیزه‌های مختلفی که در آن زمان وجود داشت، مردم به طرف بی بند و باری سوق داده شدند و با چنین مردمی هرگز نمی‌شد کارهای بنیادی انجام داد مگر اینکه تحولی معنوی در آنان به وجود آید.^۲

زبان دعا، تنها سلاح امام سجّاد علیه السلام
 امام زین‌العابدین علیه السلام هر چند از امکانات ایثار و مبارزه تا مرز شهادت - کاری که پدرشان امام حسین علیه السلام در کربلا انجام دادند - برخوردار نبود و نیز امکانات فعالیت آزاد اجتماعی را همچون فرزندشان امام باقر علیه السلام و نوه‌شان امام صادق علیه السلام در اختیار نداشت، لیکن فرصت مقاومت را از طریق این حربه از دست نداد؛ حربه‌ای که می‌توانست در اعماق پیکر نظام حاکم نفوذ کند، در میان جامعه فاسد جریان یابد، با هر نسیمی به حرکت درآید و در هر شرایطی بهره‌گیری از آن امکان پذیر باشد. نام این حربه «دعا» بود.

اگر گفته شود که آیا دعا از ضعیف‌ترین گزینه‌های نظری مبارزه و جهاد است؟ شاید در پاسخ می‌گوییم بله، لیکن دعا حتی در صورتی که انسان، گرفتار حالت ضعف و ناتوانی هم نباشد، یک امر ضروری است و لذا اگر انسان بتواند مبارزه و مقاومت را به

۱. رک: قانمی، ۱۳۷۶ش؛ صص ۲۶۳ - ۲۶۴.
 ۲. اعرابی، ۱۳۷۸ش؛ ص ۶۷.

صورت‌هایی دیگر، پرتوان‌تر و نیرومندتر انجام دهد، باز هم محال است که از دعا بی‌نیاز باشد و نمی‌توان او را از این مبارزه و لو ضعیف‌ترین نوع مبارزه باشد، منع کرد. چه، وی باید قادر به دعا کردن باشد و بتواند مخفیانه با پروردگارش رابطه داشته باشد و اندیشه‌ها و باورهایش را با شیوه مناجات و دعا اعلان و آرمان‌ها و رنج‌ها و خواسته‌های دلش را با دعا بیان کند و فریادهایش را بروز دهد و حقوق از بین رفته و غصب شده‌اش را بخواهد.^۱

در آن جو حلقان و فشار و در آن دیکتاتوری مخوف، امام علیه السلام به مبارزات اصلی از راه دعا پرداخت و دعای او در عین اینکه حرکتی اخلاقی بود، مبارزه‌ای به ظاهر آرام با دشمن، ولی ریشه‌کن کننده بود. او با این عمل و برنامه خود نشان داد که راه مبارزه، تنها راه شمشیر نیست. در آن گاه که راه قیام به شمشیر به روی آدمی بسته گردد، راه دیگری برای انسان می‌تواند وجود داشته باشد. ذکر دعا‌های حضرت نوعی جهاد بود و در آن سعی داشت مردم را بیدار و علیه شرایط موجود بسیج کند، داستان فجایع ننگین بنی‌امیه را به مردم بگوید و کوس رسوایی خلافت بیزید و دیگر وابستگان بنی‌امیه را از کوی و برزن به صدا درآورد. او با دعای خود در قلب مردم نور می‌افشاند و راه آینده را برای مردم روشن می‌کرد. مردم می‌فهمیدند که رابطه انسان با خدا چگونه باید باشد و بنی‌امیه چه طرح و نقشه‌ای را درباره مردم پیاده می‌کنند و هم او در قالب دعا نشان می‌داد که انسان متعهد و مسئول در قالب دین چه وظایفی را باید انجام دهد و حکام زمان چه مسئولیت‌هایی را همراه کمک مردم به این امر دارند. طبیعی است این اندیشه‌ها در درون مردم نضج می‌گرفت و آن‌ها را به سوی مقصد و مقصود جهت می‌داد. شاید یکی از عللی که شیعیان بعدها روحیه و جرأت پیدا کردند و از کشته شدن لای دیوارها و زنده به گور شدن ترس نداشتند، بدین خاطر بود که اولاً در سایه دعاها به وظیفه خود آشنا شده بودند و ثانیاً در سایه آن القات و تذکرات، دل و جرأتی یافته بودند و با اتکا به خدا و با دلگرمی به پیش

می‌رفتند.^۱

پس ظهور مبارزات امام سجاد علیه السلام در آن دوران خفقان به شکل دعا و نیایش بود. آن حضرت این عنصر فرهنگی تشیع و اسلام راستین را تثبیت و نهادینه نمود. با زبان دعا در مسجد و خانه خود برای دومین بار مکتب فرهنگی را تأسیس نمود، همان مکتبی که جد ایشان علی علیه السلام برای اولین بار ایجاد نمود. تأسیس مکتب دعا توسط آن حضرت علیه السلام فقط برای بن بست شکنی و طرح ریزی حکومت دینی شیعی نبود، بلکه برای استکمال فرهنگ اسلامی و شیعی بود؛ زیرا عنصر دعا که نیاز ضروری برای بقای حیات معنادار انسانی است، جزئی از فرهنگ و مکتب حیات بخش اسلام بوده و باید با ظهور انسان کاملی کمال می‌یافت و نهادینه می‌شد و اگر حق تبیین و تثبیت این عنصر فرهنگی توسط اسلام و اوصیای الهی ادا نمی‌شد، اسلام کمال نمی‌یافت.

پایه‌گذاری و مدیریت یک نهضت فرهنگی صحیح و ریشه‌دار، بیش از هر چیز و قبل از هر چیز، نیازمند ارائه یک مجموعه مدون و فراگیر از علوم و معارف و ارزش‌هاست که تحقق آن در پرتو «نهضت فرهنگی» مورد انتظار است. حضرت سجاد علیه السلام در این زمینه با توجه به شرایط خاص زمانه، شیوه‌ای بدیع برای ارائه این مجموعه مدون به کار گرفتند که علاوه بر بیان بایسته‌های لازم برای ایجاد تحول در جامعه از بُعد فرهنگی، بخش قابل توجهی از این مجموعه را در قالب شورانگیز «دعا و مناجات» در اختیار جامعه گذاشتند تا از یک سو با سرکوب و اختناق شدید حاکم در جامعه که به شدت از روشنگری حقیقی برای مردم جلوگیری می‌کرد، مواجه نشده و با مانع برخورد نکند و از سوی دیگر با توجه به زبان خاص دعا و مناجات، ضمن انتقال معارف به مخاطبان، با نفوذ در عمق جان آنها، شور و نشاط را در وجودشان ایجاد و همه هستی‌شان را به ذات اقدس الهی مرتبط نماید.^۲

امام سجاد علیه السلام به اقتضای زمان خود، مظهر دعا و تجلی‌گاه نیایش شدند و با این

۱. سلمان پور، ۱۳۸۴ش: ص ۸۶ و قائمی، ۱۳۷۶ش: ص ۲۷۰.

۲. دعایی، ۱۳۸۰ش: صص ۲۴۶-۲۴۵.

ظهور و تجلی، قسمتی از فرهنگ تشیع، را برای تمام دوران حیات تشیع بلکه مسلمین تثبیت کردند. این ظهور باید توسط یکی از اوصیای الهی به گونه‌ای که تمام ابعاد آن احیا، روشن و تثبیت شود متجلی می‌شد. خداوند امام سجاد علیه السلام را مأمور تجلی به این جلوه نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام بلکه جمیع پیامبران سلف ظهور به جلوه دعا داشتند، اما ظلمات و مهلکات زمانه، آن ظهورات را به محاق کشانده بود و امام سجاد علیه السلام بود که حقیقت دعا را احیاء و برای همیشه تثبیت نمود، از همین رو به زعم برخی محققان، می‌توان ادعا کرد ظهور حضرت زین العابدین علیه السلام به شکل دعا و تهجد فقط به علت تحمیل زمانه نبود، بلکه حکمت و رسالت الهی چنان اقتضایی داشت.^۱

از اینجاست که باید به هنر بی‌نظیر حضرت سجاد علیه السلام در رهبری فکری جامعه به دیده اعجاز نگریست که چگونه در عصر خود که امکان ارائه معارف دین در قالب‌های دیگر با محذورات جدی مواجه بوده است، با گزینش این قالب یعنی تبیین و اشاعه معارف دینی به صورت دعا و راز و نیاز با حضرت حق - که شورانگیزترین قالب ارتباط با حق تعالی است و موجد نشاط و شادابی روحی و ترک حالت خمودگی و واژدگی است - مسئولیت خطیر هدایتگری و رهبری جامعه را نه در عصر خود بلکه در همه اعصار و قرون به انجام رسانیده است. با اتخاذ این شیوه بدیع هم ارتباط رهبری با جامعه حفظ شد و هم مردم از زلال علم ناب حضرت، معارف اصیل اسلامی را فرا گرفتند و هم از ایجاد و تحکیم روحیه خمودگی ناشی از شرایط سخت زمانه برای شیعه و پیروان واقعی جلوگیری به عمل آمد و هم کوچکترین بهانه‌ای به دست حاکمان ستمگر و ظالم اموی داده نشد تا جلوی فعالیت حضرت را بگیرند و یا ایشان را به قتل و حبس تهدید کنند.^۲

تاریخ زیان دعا

تاریخ دعا به پیدایش انسان و هبوط آدم علیه السلام باز می‌گردد. احساس نیاز، خواستن و

۱. سلمان پور، زمستان ۱۳۸۴ ش: ص ۸۶.

۲. دعایی، ۱۳۸۰ ش: صص ۲۵۹ و ۲۵۸.

ناتوانی از درون و برون همواره با انسان بوده و همین احساس از اولین احساسات و ادراکات آدمی بوده است، بنابراین انسان از آغاز، پناه بردن به قدرتی لایزال را برای آرامش و بقای خود ضروری می‌دیده است. از همین رو تاریخ بشریت هرگز از توجه به مبدأ عالم و دعا به درگاه او خالی نبوده است.

تاریخ دعا دلیل روشنی است بر این که زبان دعا جزو لاینفک حیات انسانی است، حتی اگر انسان غرق در کفر و بُت‌پرستی باشد، باز زبان دعا در مقطعی از زندگی وی زبان به بیان می‌گشاید. تاریخ دعا، منشأ فطری آن و تحلیل زبان دعا این حقیقت را آشکار می‌کند که زبان دعا، زبان جهانی و تنها زبان مشترک بین تمامی انسان‌هاست و نیاز به آموزش ندارد. استعداد آن در تمامی آدمیان با همه اختلاف نژادها و مکان‌ها و زمان‌ها به طور مساوی نهفته است.^۱

باید توجه داشت که آغاز مکتب دعا با پیامبر ﷺ علی علیه السلام بود، اما تثبیت و نهادینه شدن آن با پدید آمدن صحیفه سجادیه و دعاهای امام سجاد علیه السلام بود. شرایط و فضای زمان پدید آمدن، نحوه املاى حضرت و کتابت آن به وسیله زید بن علی و امام باقر علیه السلام، کیفیت حفظ آن در نسل‌های بعد از آن حضرت و بالاخره نشر آن در میان امت اسلامی گواه این مطلب است.^۲

بنابراین امام علیه السلام قیام به شمشیر نکرد اما بیکار هم نماند و با شیوه دعا و فرهنگ دعا، برنامه مبارزه‌ای را ترتیب داد که در تاریخ بی‌نظیر است. حضرت با زنده ساختن رابطه بنده و معبود در قالب دعا، انقلاب دیگری را پدیدآورد که از نظر اثربخشی کمتر از قیام عاشورا نبود. حضرت برای استمرار حق و حفظ اسلام همه تلاش و اندیشه خود را به کار گرفت؛ بذرهایی که حضرت در عرصه آن روزگار کاشت، هر کدام نهال و درختی شدند و ثمرات درخشانی دادند، پرچم عزاداری و گریه‌ای را که ایشان برافراشت و نمایش حقی که حضرت از مظلومیت خاندان پیامبر ارائه داد، چنان اثر بخشید که امروزه در همه جای جهان امام حسین علیه السلام، فردی شناخته

۱. رک: سلمان پور، تابستان ۱۳۸۴ش: صص ۲۲ و ۲۱.

۲. رک: همان: صص ۹۰ و ۸۹.

شده و چهره و سبیل قیام و مقاومت در برابر ستم و سیدالشهداء علیه السلام است. حضرت امکان شهادت به مفهوم خون دادن را نداشت، ولی مقاومت ایشان در برابر باطل، تحمل آن همه رنج‌ها و صدمات برای ایشان کمتر از شهادت، رنج‌آوری جسمی نداشت.^۱

سخن گفتن در قالب دعا، وسیله‌ای است برای بیان باورها، رساندن پیام‌ها، رشد دادن احساس مسئولیت‌ها در سخت‌ترین شرایط، گسترش دادن روح مبارزه و مقاومت، محکم کردن روابط فکری، پافشاری بر پیمان‌های اجتماعی، تثبیت احساسات شایسته، تولی و اعلان آن، تبری و آشکار کردن آن، ژرفا بخشیدن به بینش اعتقادی در میان امت، آماده‌سازی زمینه‌های روانی، فکری و جسمی برای پذیرش مسئولیت‌های بزرگ. تمامی این فعالیت‌ها در شرایطی انجام می‌گیرد که نیروهای مختلف برای نابودی تمام این اهداف بسیج شده‌اند.^۲

اثرات دعا

امام علیه السلام با عرضه و تدوین دعاها، زمینه را برای تحولات عظیم فکری و فرهنگی فراهم کرد: خلأهای شخصیتی را در سایه آن پر نمود، یأس و جمود را از دل و جان مردم بیرون ریخت، خطی از معنویت را برای زندگی مردم رسم کرد، دردهای درونی مردم را التیام بخشید، انگیزه‌ای برای تلاش و زندگی در مردم بیدار آورد، موجباتی را فراهم ساخت که مردم از جای برخیزند و به احقاق حق بپردازند و او در این قالب معارف دین را به مردم آموخت. چه بسیار انسان‌ها که در سایه آن روشنگری‌ها از انحرافات نجات یافتند، دست از اندیشه‌ها و گرایش‌های منفی کشیدند. مردم از دعاها درس بیداری، تعهد و مسئولیت گرفتند، از تفرقه و اختلاف در رأی و اندیشه صرف نظر نمودند و بسیاری از آنان راه خود را الهی و انسانی کردند و امروزه نیز آن اندیشه و آن خط برای آگاهان و بهره‌گیران از دعاهای او وجود دارد.

دعاهای امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، مناجات‌های او در آثار دیگر، سخنان

۱. قائمی، ۱۳۷۶، ش: ص ۲۶۶.

۲. حسینی جلالی، ۱۳۸۲، ش: ص ۲۱۹.

و اظهار نظرهای او در دوران امامت چه برکت‌هایی را برای جامعه پدید آورد، چه روشنایی چشمی برای امت اسلامی پدید آورد و چه سرمایه‌ای از دانش و فرهنگ برای جامعه بر جای گذاشت و بالاخره چه ابوابی از معارف و علوم اسلامی را به روی مردم گشود. دعاها موجب تعهدسازی‌های فکری و دینی مردم شدند و اندیشه‌های اسلامی را سروسامان و روح دادند، حتی مبارزات بعدی مردم را رنگ ایدئولوژیک بخشیدند. امام علیه السلام در قالب دعا تصویرهایی از جامعه سالم و اسلام را به مردم ارائه داد و به آن‌ها فهماند اگر جامعه‌ای نخواهد اسلامی باشد، چه خصایص و صفاتی را باید واجد گردد.^۱

معرفی صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه نماد یک جنبش اجتماعی گسترده است؛ جنبشی که شرایط آن برهه، امام علیه السلام را به انجام آن واداشت. همچنین این صحیفه، میراث الهی بی‌همتایی است که همچنان با گذشت قرن‌ها، چشمه بخشش، چراغ هدایت و مدرسه اخلاق و تهذیب باقی‌مانده و بشریت همچنان به این میراث محمدی علوی نیازمند است؛ نیازی که با افزایش فریب‌های شیطان و آزمایش‌های دنیا فزونی می‌گیرد.^۲

صحیفه سجادیه اثر جاودانه نفس قدسی حضرت زین العابدین علیه السلام، یکی از جامع‌ترین و ارزنده‌ترین منابع فرهنگ ناب اسلامی است که در میان آثار به جا مانده از این امام همام، از همه مهم‌تر و متقن‌تر می‌باشد. این کتاب شریف که دومین کتابی است که در صدر اسلام تدوین شده است، پس از قرآن و نهج البلاغه قرار داشته و به حق «أخت القرآن»، «زبور آل محمد» و «انجیل اهل بیت» لقب گرفته است.^۳ گرچه صحیفه سجادیه، سراسر دعا و نیایش است و حضرت علی بن الحسین علیه السلام در قالب راز و نیاز و مناجات با حضرت حق سخن گفته‌اند، ولی با تأمل در این مجموعه

۱. قائمی، ۱۳۷۶: شصص ۲۶۸ و ۲۶۹.

۲. مرکبی، ۱۳۹۲: شصص ۲۲.

۳. دعایی، ۱۳۸۰: شصص ۲۴۷.

به خوبی به دست می‌آید که حضرت در پرتو این معاشقه خالصانه با معبود، یک مکتب فکری کامل ارائه نموده‌اند که حاوی توحید، اخلاق، حکمت‌های سازنده، رهنمودهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عشق، عرفان، عبادت و خودسازی و به صورت خلاصه آنچه در سیر الی الله مورد نیاز یک سالک واقعی و یک جامعه توحیدی است، می‌باشد.^۱

بنابراین اگر انسان، شرایط امام زین العابدین (علیه السلام) و موقعیت اجتماعی او را مد نظر قرار دهد و به تنگنایها و تبهکاری‌های زمامداران خودسر را بخواند و میان مفاهیم صحیفه و نمونه‌های عملکردی این زمامداران ستمگر مقایسه کند، برایش روشن خواهد شد که امام (علیه السلام) از طریق این کتاب به مبارزه آشکار ضد حکومت وقت و نقشه‌های حکومت او دست زده است؛ نقشه‌هایی که کیان جامعه اسلامی را هدف گرفته است تا آن را متزلزل کند.

سند صحیفه

انتساب صحیفه به حضرت زین العابدین (علیه السلام) مورد قبول تمام علمای اسلام از همه فرقه‌ها می‌باشد و هیچ کس در این انتساب تشکیک نکرده است و بسیاری این مجموعه ارزشمند را از متواترات دانسته‌اند که کمترین نیازی به بررسی صحت و سقم افراد موجود در آن سند نمی‌باشد؛ چرا که وقتی مطلبی متواتر شد، موجب یقین شده و دیگر مجال شبهه در آن باقی نمی‌ماند.^۲

صحیفه سجادیه تنها مکتوبی است که املا و تحریر آن توسط دو امام معصوم (حضرت امام سجاد و امام باقر (علیه السلام)) انجام پذیرفته و بدون کمترین خدشه‌ای در میان سلسله اسناد آن، تا به امروز حفظ شده است و این به این معنی است که صحیفه تنها کتابی است که از سوی ائمه معصومین (علیهم السلام) به رشته تحریر درآمده و در اختیار شیعیان نهاده شده است. هر چند قالب صحیفه را دعا و مناجات تشکیل

۱. همان: ص ۲۵۸.

۲. حسینی جلالی، ۱۳۸۲ش: ص ۲۲۱.

۳. دعایی، ۱۳۸۰ش: ص ۲۵۲.

می‌دهد، اما این قالب هیچ‌گاه محدود کننده مفاهیم نبوده و حضرت سجاد علیه السلام بسیاری از آنچه را که مورد نیاز جامعه روزگار خود و سایر عصرها و ازمنه تشخیص داده‌اند در بستری از دعا و مناجات با پروردگار عرضه فرموده‌اند و این حالت صحیفه باعث شده تا ادعیه آن در عین حفظ روح عبادی و معنوی، بیانگر بخش‌هایی از معارف اسلامی باشد.^۱

نیایش‌های امام سجاد علیه السلام

نیایش‌های امام سجاد علیه السلام در صحیفه، سرشار از مضامین لطیف و دل‌پذیر است. این دعاها نشانه ذوق سرشار، روح متعالی، بزرگی شخصیت و دردآشنایی آن حضرت است. خواننده این دعاها با اندکی ژرف‌نگری و تأمل، لذتی روحانی و معنوی احساس می‌کند که همه لذت‌های مادی با آن برابر نیست و درمی‌یابد که این کتاب، صحیفه معرفت است.^۲

دعا برای مرزداران

از آنجا که امام زین‌العابدین علیه السلام رهبری الهی است و در برابر مردم خویش - که همان امت اسلامی باشند - مسئولیت دارد و حفظ کیان اسلام از مهم‌ترین تکالیفی است که او متعهد به انجام آن است. از این رو باید از شعایر اسلام مراقبت کند، نمادهایش را تداوم بخشد، مصالح کلی آن را در نظر بگیرد و این مصالح را بر مصالح شخصی افراد و یا کارهای جزئی فرعی مقدم بدارد. بنابراین حفظ عقیده اسلامی و حدود آن از التزام به فروع دین و واجبات و محرمات آن - در صورتی که امر میان این دو دور بزند - مهم‌تر است.^۳

با نگرشی عمیق به صحیفه سجادیه، می‌توان آموزه‌های دفاعی و امنیتی بیان شده از سوی حضرت را در دعای بیست و هفتم - که برای مرزبانان یا سپاهیان سرحدات اسلامی ارائه شده - ملاحظه نمود. بنابراین این نکته بسیار مهم هم باید خاطر

۱. کوشکی، ۱۳۸۱ش: ص ۱۴۸.

۲. مهزی، ۱۳۹۱ش: ص ۴.

۳. حسینی جلالی، ۱۳۸۲ش: ص ۲۲۱.

نشان شود که حضرت در دعای بیست و هفتم صحیفه، به دعا در حق مرزداران اسلامی، و نه نیروهای تحت امر حکام جائز در عرصه داخلی می‌پردازد و بدین ترتیب شائبه هر گونه همکاری و تأیید این‌گونه حکام را برطرف می‌سازد. همچنین باید افزود که درست است که امام بسیاری از راهبردهای دفاعی و امنیتی خود را در قالب راز و نیاز از خداوند درخواست کرده، ولی بسیار واضح است که این شیوه بیانی، متناسب با کلیت عرفانی و انتخاب زبان رمزآلود از سوی امام در این مصحف شریف است. ضمن آن که مگر نه این که هیچ داعی بدون همراهی عمل داعی مستجاب نخواهد شد، پس در واقع می‌توان درخواست‌های حضرت از خداوند متعال را به عنوان دستورالعمل‌های قابل اجرا و تجویز قلمداد نمود و تحقق این ادعیه راهبردی از سوی خداوند را منوط به همراهی عملی مسلمانان دانست و از این دعاها، آموزه‌های لازم دفاعی و امنیتی را استنتاج و استنباط نمود.^۱

سیاست‌های جنگی امام سجاد علیه السلام در دعا
 برخی از سیاست‌های جنگی امام سجاد علیه السلام در دعا را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

۱. تأکید زیاد بر ایجاد امنیت و حفظ مرزها

امام علیه السلام این دعا را با موضوع امنیت آغاز کردند و این امر بیانگر اهمیت این موضوع می‌باشد. ایشان این‌گونه از خداوند درخواست می‌کنند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ تُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ وَ أَيْدِ عَمَانَهَا بِقُوَّتِكَ وَ أَسِيعْ عِظَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ؛ بارخدا یا، بر محمد و آل او درود فرست و مرزهای مسلمانان را به عزت و قدرت خود محکم و استوار ساز و نگهبانان آن را به قوت خود تأیید فرما و بخشش‌های آن‌ها را از توانگریت فراوان گردان.»^۲

۲. تأکید بر کمیت و کیفیت نیروها و اسلحه و تجهیزات

از نظر امام علیه السلام کمیت و کیفیت نیروها و تجهیزات نقش مهمی را در زمینه امنیتی-

۱. اخوان کاظمی، ۱۳۸۶ش؛ ص ۱۳۴.

۲. صحیفه سجادیه، ۱۳۸۵ش؛ ص ۱۶۲.

دفاعی ایفا می‌کند؛ از این رو ایشان از خداوند متعال چنین درخواست می‌کند:
 «... وَكَثُرْ عِدَّتَهُمْ وَاسْحَدْ أَسْلِحَتَهُمْ: ... و عده آنان را زیاد فرما و سلاح‌های آنان را تیز
 و بُرا ساز.»^۱

بنابراین مشخص است که ارتقای کمیت و کیفیت و تجهیز نیروهای انسانی و تسلیحات نظامی، امری راهبردی است که قرآن کریم نیز با این سخن «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»: و شما ای مومنان، در مقام مبارزه با آن‌ها خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و آلات جنگی و اسب‌ن سواری برای تهدید دشمنان خداوند و دشمنان خودتان فراهم سازید»^۲ بر این اهمیت صحه گذارده است.^۳

۳. فراهم نمودن پی در پی تدارکات برای مرزداران

امام علی (ع) این مسئله را مهم تلقی کرده و از خداوند چنین درخواست می‌کنند:
 «... وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ وَ تَوَخَّجْ مَبْرِهْمَ وَ تَوَخَّجْ بِكِفَايَةِ مُؤْنِهِمْ: ... امورشان را تدبیر فرما و آذوقه‌هایشان را پی در پی برسان و سختی‌های آنان را خود به تنهایی عهده‌دار باش.»^۴

۴. تأکید بر ایجاد الفت و مهربانی میان سپاهیان

از آنجا که الفت و مهربانی میان سپاهیان در امر پیروزی تأثیر به‌سزایی دارد، امام علی (ع) از خداوند چنین درخواست می‌کند:
 «... وَ احْرُسْ حَوْرَتَهُمْ وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ وَ آلفْ جَمْعَهُمْ: حوزہ آنان را حراست فرما، حومه و اطراف آنان را موانع ایحاد کن و در بین جمعشان الفت و مهربانی برقرار ساز.»^۵
 بدیهی است از این منظر، سپاه اسلام با انس، الفت و اتحاد و اتفاق و وحدت روحی، قدرت بیشتری یافته و دیگر دشمن نخواهد توانست با نفاق افکنی و اختلاف‌انگیزی مایه تضعیف عزت و قدرت آن‌ها شده و سپاهیان و مرزداران اسلامی را با نفاق افکنی

۱. همان: ص ۱۶۲.

۲. سوره انفال، آیه ۶۰.

۳. اخوان کاظمی، ۱۳۸۶ش: ص ۱۴۰.

۴. صحیفه سجادیه: ص ۱۶۲.

۵. همان.

ذلیل و ناتوان نماید.^۱

۵. ضرورت کسب اطلاعات کافی از دشمن

امام سجاد علیه السلام از خداوند درخواست می‌کنند که سپاهیان اسلام نسبت به دشمنان شناخت کافی پیدا کنند و دعا این است:

«... وَ عَرَفَهُمْ مَا يَجْهَلُونَ وَ عِلْمَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ بَصَرَهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ: ... و آنچه از امور و اسرار جنگ جاهلند به آنان بشناسان و آنچه را که نمی‌دانند به آنان تعلیم فرما و به آنچه بصیرت و آگاهی ندارند به آنان بصیرت عنایت فرما.»^۲

از این قسمت از دعا مشخص می‌شود که داشتن اطلاعات کافی از دشمن، در روند سیاست‌های جنگ امری ضروری است.

۶. تقویت ایمان و اراده سپاهیان در هنگام رویارویی با دشمن

امام علیه السلام به منظور تقویت ایمان و اراده مرزداران از خداوند درخواست می‌کند که فکر و ذهن ایشان را از امور فتنه‌انگیز خالی گرداند و با یادآور نمودن نعمت‌های بهشتی، ایمان ایشان را تقویت فرماید تا اینکه ایشان از جنگ روی برنتابند و به فکر فرار نیفتند؛ دعا این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَانصِبْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةَ الْعَرُورَ وَامْحَ عَن قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونَ وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ وَ لَوْحَ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعَدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ وَ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ وَ الْحُورِ الْعِيَانِ وَ الْأَنْهَارِ الْمُطْرِدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِيَّةِ وَ الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ بِضُؤُفِ النَّمْرِ حَتَّى لَا يَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْذِّبَارِ وَ لَا يُحَدِّثَ نَفْسَهُ عَن قَرْنِهِ يَفْرَارٍ: بارخدا! بر محمد و آل او درود فرست، از رزمندگان اسلام هنگام جنگ و رویارویی با دشمن، دنیای فریبنده و خدعه‌گرا را از یادشان ببر و تدبیر مال و دارایی فتنه‌گرا را از دل‌هایشان محو فرما و بهشت را در مقابل چشم‌شان فرارده و آنچه را که در بهشت برایشان آماده ساخته‌ای، از قبیل مسکن‌های جاوید، منازل و سرای ارجمند، حوریان زیبا، نهرهایی که به آشامیدنی‌های مختلف پُر و جاری است و درخت‌هایی که به انواع میوه‌ها شاخه‌هایشان خم گشته، جلو چشم‌شان

۱. اخوان کاظمی، ۱۳۸۶ ش: ص ۱۴۱.

۲. صحیفه سجادیه: ص ۱۶۲.

نمایان کن تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت به دشمن ننماید و با همتای خود به قصد فرار نیفتد.»^۱

بنابراین امام علیه السلام به صراحت اعلام می‌کنند که اگر اینگونه شود، ایمان و اراده مرزداران در جهت پیروزی در جنگ تقویت شده و ایشان تا مرز پیروزی به پیش می‌روند و حتی لحظه‌ای فکر فرار از صحنه نبرد به ذهن ایشان خطور نخواهد کرد.

۷. برخی از سیاست‌های کلی امام علیه السلام جهت ناتوان ساختن دشمن در قالب دعا

امام سجاد علیه السلام به منظور ناتوان کردن سپاه دشمن و از کار انداختن تأثیر و فاعلیت آن‌ها، راهکارهایی را در قالب دعا ارائه می‌دهند که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:

۱-۷- ممانعت از دستیابی دشمن به سلاح: «... وَفَرَّقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ: و میان دشمنان و سلاح‌هایشان جدایی انداز.»

۲-۷- تضعیف ایمان دشمن: «وَإِخْلَعُوا إِيمَانَ دُشْمَانِكُمْ: و اطمینان قلبی دشمنان‌شان را از آنان بگیر.»

۳-۷- ممانعت از دستیابی دشمن به آذوقه: «وَبَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَوْذُقَتِهِمْ: و میان آنان و آذوقه‌هایشان فاصله بینداز.»

۴-۷- ممانعت از کمک‌رسانی به دشمن: «وَأَقْلَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ: و کمک را از آن‌ها قطع فرما.»

۵-۷- ایجاد ترس و وحشت در دل دشمن: «وَأَمْلَأْ قُلُوبَهُمُ الرُّعْبَ: و دل‌هاشان را مالا مال از ترس و رعب قرار ده.»

۶-۷- مقابله با سیاست تبلیغاتی دشمن: «وَاقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ وَأَحْزِمِ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ التَّلَطُّقِ: دست‌هایشان را مبسوط مگردان و زبان‌شان را از گفتار بازدار.»^۲

۸. برخی از سیاست‌های ویژه امام علیه السلام در مقابله با دشمن

امام سجاد علیه السلام در بخش‌هایی از این دعا، بدترین نفرین‌ها را برای مشرکان و

۱. همان: ص ۱۶۲.

۲. همان: صص ۱۶۴-۱۶۲.

دشمنان اسلام و حتی چهارچایان و گیاهان آنان درخواست می‌کند. ایشان همچنین قطع روزی دشمنان اسلام را، حربه‌ای مناسب جهت شکست ایشان برمی‌شمارد و به این منظور از خداوند چنین درخواست می‌کند:

«اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ وَبَيِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ واقطع نسل دوابه‌م و آنعامه‌م لاتاذن لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرٍ وَلَا لَأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ: بارخدایا! زنانشان را عقیم گردان و صلب مردانشان را خشک فرما و نسل چهارپایانشان را قطع فرما و به آسمانشان اذن باریدن و به زمینشان اذن روئیدن مده.»

و در دعایی دیگر:

«اللَّهُمَّ وَاْمُرْج مِيَاهَهُمْ بِالرِّبَاءِ وَأَطْعَمَهُم بِالْأَدْوَاءِ وَاْمُرْ بِلَادَهُم بِالْخُسُوفِ وَالْحَيْحَ عَلَيْهَا بِالْقُدُوفِ وَاَفْرِغْهَا بِالْمُحُولِ وَاَجْعَلْ مَرْزُومَهُمْ فِي أَحْصَ أَرْضِكَ وَاَبْعِدْهَا عَنْهُمْ وَاَمْنِعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ أَصْبَهُم بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَالسُّقْمِ الْأَلِيمِ: بارخدایا! آب‌هایشان را به وبا و مواد غذایی‌شان را با بیماری ممزوج فرما و شهرهایشان را در زمین فرو بر و بر آن شهرها، بلا و گرفتاری پیاپی برسان و آن‌ها را دچار حطی و خشک‌سالی قوار ده و آذوقه‌هایشان را در تهی‌ترین و دورترین زمین خویش قرار ده و آن‌ها را از قلعه‌ها و پناهگاه‌ها باز دار و آن‌ها را به گرسنگی دائمی و بیماری دردناک دچار فرما.»

۹. ضرورت مشارکت همگانی مردم در امر دفاع از مرزها

در آموزه‌های دفاعی - امنیتی صحیفه سجادیه، بر مشارکت همگانی مردم در زمینه دفاع تأکید شده است؛ حال این مشارکت می‌تواند در زمینه‌های مختلفی انجام گیرد که بخشی از آن در دعای زیر ذکر شده است:

«اللَّهُمَّ وَاَيُّمَّا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَايِبًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ أَوْ سَحَدَهُ عَلَى جِهَادٍ أَوْ اتَّبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةَ أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً فَأَجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بِوَزْنٍ وَمِثْلًا بِمِثْلِ: بارخدایا! هر مسلمانی که مجاهد و مرزداري را در امور زندگي اش برجای گذارد یا در نبودش عهده‌دار نگهداری خانواده‌اش شود یا به او کمک مالی

۱. همان؛ ص ۱۶۴.

۲. همان؛ ص ۱۶۸.

نماید یا با وسائل جنگی به او امداد رسانی کند یا او را به جهاد تشویق و ترغیب نماید و یا او را با دعای خیر خود بدرقه نماید و یا در پشت سرش آبرویش را حفظ کند، همانند اجر و مزدی که به این رزمنده عطا می‌کند به او نیز عنایت فرما.^۱

بنابراین مشخص شد که این مشارکت در زمینه‌های مختلفی از جمله مشارکت مالی، مشارکت در تأمین نیازهای مرزداران و نیز مشارکت در تشویق و ترغیب سپاهیان به امر جهاد صورت می‌گیرد.

۱۰. نفی هرگونه جنگ طلبی و مشروعیت جنگ توحیدی

برحسب آموزه‌های امام، جنگ طلبی مذموم بوده و تنها جنگ در راه حق و اهداف توحیدی مورد پذیرش است. بدین سان اساس این سیاست، نفی جنگ طلبی بوده و اگر قرار است جنگی هم موجه باشد، آن نبردی در راستای حاکمیت توحید و تفکر توحیدی بر کله انحاء عالم است.^۲ امام در این راستا برای سپاهیان و مرزداران اسلامی چنین دعا می‌فرماید:

«... وَفَرَّغَهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ وَعَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلخَلْوَةِ بِكَ حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرَكَ وَلَا تُعْفَرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ حَبَّةٌ ذَرَّةً؛ و آنان را برای عبادت و بندگی از جنگ و محاربه و برای خلوت نمودن با تو از مبارزه با دشمنان فارغ گردان تا غیر از تو در روی کره زمین کسی مورد پرستش قرار نگیرد و برای هیچ کس جز تو پیشانی به خاک گذارده نگردد.»^۳

۱۱. بیان ویژگی‌ها و صفات لازم برای مرزداران

امام علیه السلام در بخشی از دعاهایشان برای مرزداران، صفات و ویژگی‌های مختلفی را از جمله شجاعت، دوری از ترس، پایداری، دوری از ریا و ... تکرار می‌کند. بخشی از دعا این است:

«... وَأَجْرُهُ مِنْ غَيْرِ الْوَحْشَةِ وَأَنْسِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْوَالِدِ وَأَثَرُ لَهُ حُسْنَ النَّيَّةِ وَتَوَلَّهُ بِالْعَافِيَةِ وَأَصْحِبْهُ السَّلَامَةَ وَأَعْفِهِ مِنَ الْجُبْنِ وَالْهَمَّةُ الْجُرْأَةُ وَارْزُقْهُ الشَّدَّةَ وَأَيِّدْهُ بِالنُّصْرَةِ وَعَلِّمَهُ السَّيْرَ وَالسُّنْنَ وَ

۱. همان: ص ۱۷.

۲. اخوان کاظمی، ۱۳۸۶ش: ص ۱۳۸.

۳. صحیفه سجاده: ص ۱۶۴.

سَدَدُهُ فِي الْحُكْمِ وَاعْزِلْ عَنْهُ الرِّبَاةَ وَحَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَةِ وَاجْعَلْ فِكْرَهُ وَذِكْرَهُ وَطَعْنَهُ وَإِقَامَتَهُ
فِيكَ وَلَكَ: و او را از غم و اندوه وحشت پناه ده و یاد زن و فرزند را فراموش ساز و
او را به حُسن نیت هدایت و راهنمایی فرما و عافیت و تندرستی را برایش عهده‌دار
شو و او را به سلامتی مصاحبت فرما و ترس را از او دور گردان و جرأت را در دلش
بیفکن و نیرومندی را روزیش فرما و او را به کمک و یاری خویش یاری فرما، سیره
و سنت پیامبر را به او تعلیم فرما و در حکم کردن راه صواب و درست را بر او نشان
ده، ریا و خودنمایی را از او دور ساز و او را از انجام کاری برای اینکه مردم بشنوند
رهایبی گردان، فکر و ذکر و کوچ و اقامتش را در راه خود و برای به دست آوردن رضا
و خوشنودی هود قرار ده.»^۱

مضمون اصلی نیایش مرزداران، طلب نصرت و پیروزی اهل اسلام بر مشرکان است.
با توجه به عدم نشانه‌هایی که اختصاص این دعا را برای زمان و عصر مشخصی
اثبات کند، چنین می‌توان نتیجه گرفت که مضامین و نکات موجود در آن در تمامی
اعصار و قرون صادق بوده و امری فراگیر و ساری در همه ازمه به شمار می‌آید.
با توجه بیشتر در این نیایش می‌توان به چهار دیدگاه و نظریه از مجموعه اندیشه
سیاسی اسلام دست یافت. دیدگاه‌های فوق را می‌توان به شرح زیر تبیین نمود:

الف) نفی ملی‌گرایی:

هر چند ملی‌گرایی و ناسیونالیسم از جمله مفاهیم دنیای جدید به شمار آمده و از قرن
۱۶ میلادی به این سو معنا یافته است، اما در نیایش مرزداران عبارات و مضامینی
یافت می‌شود که در تناقض با این مفهوم قرار دارد. با دقت در تعبیری که حضرت
در توصیف مرزها به کار برده‌اند می‌توان دریافت که در نظر ایشان مرز، محتوای
عقیدتی داشته و به یک جغرافیا و یا ملیت خاص تعلق ندارد؛ مانند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ نُجُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعَزَّتِكَ: بارخدا! بر محمد و آل او درود

فرست و مرزهای مسلمانان را به عزت و قدرت خود محکم و استوار ساز.»^۱
 در این فراز از دعا، حضرت با به کار بردن عبارت «مرزهای مسلمین» به این نکته اشاره فرموده‌اند که حدفاصل میان مسلمین را، اعتقاد آن‌ها به اسلام تشکیل می‌دهد.

«اللَّهُمَّ وَ قَوْ بِذَلِكَ مِحَالِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ حَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ؛ بارخدا یا! از این طریق امور اهل اسلام را تقویت فرما و شهر و دیارشان را مستحکم نما.»^۲

در این فراز نیز حضرت با استفاده از مفهوم بلاد مسلمین، هویت بلاد را اسلامی عنوان نموده‌اند و از به کار گرفتن هویت‌های قومی یا ملی، که در آن روزگار به شدت در میان دستگاه خلافت اموی و مردم رایج بوده است، اجتناب ورزیده‌اند.

ب) مرزبندی خودی و غیرخودی و نفی تساهل در برابر غیرخودی:
 حضرت امام سجاد (علیه السلام) در فرازهایی از دعا چنان با قاطعیت و مطلق‌انگارانه به خطاکشی میان خودی و غیرخودی (دشمنان اسلام) می‌پردازند و سخت‌ترین رفتارها را با غیرخودی خواستار می‌شوند که دیگر هیچ جایی برای نرمش در برابر غیرخودی و نسبی‌گرایی در این زمینه باقی نمی‌ماند. از این قاطعیت و مطلق‌انگاری حضرت چنین استفاده می‌شود که اولاً یک مرزبندی حقیقی میان حق و باطل وجود دارد و ثانیاً بر همین اساس، جامعه بشری به خودی و غیرخودی تقسیم می‌شود و ثالثاً در برخورد با خودی و غیرخودی بر اساس آیه شریفه «أَشِدُّوا عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءَ بَيْنَهُمْ» بایستی بدون کمترین تساهلی با جبهه غیرخودی برخورد نموده و برخورد کریمانه و عطف‌آمیز را مختص جبهه خودی دانست. مانند:

۱- «اللَّهُمَّ أَفْلُ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ وَأَقْلِمِ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ وَ فَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَسْلِحِهِمْ وَ اخْلَعْ وَ تَائِقَ أَفْتَدِيَتِهِمْ وَ بَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أُرُودَتِهِمْ وَ حَزَبِهِمْ وَ صَلِّبْ لَهُمْ عَن وَجْهِهِمْ وَ اقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ وَ انْقُصْ مِنْهُمْ الْعَدَدَ وَ امْلَأْ أَفْتَدِيَتَهُمُ الرُّعْبَ وَ اقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسِطِ وَ اخْزِمِ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النَّطْقِ وَ شَرِّدْ بِهِمْ مَن خَلَقَهُمْ وَ نَكِلْ بِهِمْ مَن وَّرَاهُمْ وَ اقْطَعْ بِخَزِيَمَتِهِمْ أَطْمَاعَ مَن بَعْدَهُمْ. اللَّهُمَّ عَقِّمِ

۱. صحیفه سجاده: ص ۱۶۲.

۲. صحیفه سجاده: ص ۱۶۴.

أَرْحَمَ نَسَائِهِمْ وَيَبَسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ وَأَقْطَعْ نَسْلَ ذَوَاتِهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ لَا تَأْذَنَ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرِ وَ لَا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ: بارخدایا! با آنچه خواسته شد دشمنان را در هم بشکن و چنگال قدرت دشمنانشان را از آنان جدا ساز و میان دشمنان و سلاح‌هایشان جدایی انداز و اطمینان قلبی دشمنانشان را از آنان بگیر و میان آنان و آذوقه‌هایشان فاصله بینداز، آن‌ها را در راه‌ها حیران و سرگردان ساز و در قصدشان گمراهشان فرما، امداد و کمک را از آن‌ها قطع فرما و از تعدادشان بکاه و دل‌هاشان را مالا مال از ترس و رعب قرار ده، دست‌هایشان را مبہموت مگردان و زبانشان را از گفتار بازدار و با فرار نیروهای خط مقدم، نیروهای پشت سر را پراکنده فرما و شکست نیروهای صف مقدم را موجب فرار نیروهای پشت سر قرار ده و با شکست و رسوا ساختن این دشمنان، طمع دیگر دشمنان را قطع فرما. بارخدایا! نشانان را عقیم گردان و صلب مردانشان را خشک فرما و نسل چهارپایانشان را قطع گم‌و-به آسمانشان اذن باریدن و به زمینشان اذن روئیدن مده.»^۱

حضرت در این عبارت چنان عذاب و شدتی را برای جبهه غیرخودی از خدا طلب می‌نماید که راه را برای هر گونه شک و تردید در برابر مرزبندی خودی و غیرخودی و شدت عمل در برابر غیرخودی مسدود می‌نماید. این قاطعیت تا جایی پیش می‌رود که علاوه بر جبهه غیرخودی دامنگیر زمین‌ها و چهارپایان آن‌ها نیز می‌شود.

۲- «اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنِ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ وَ خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنِ تَنْقُصِهِمْ وَ تَبْطِئْهُمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ الْاِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ اَحْلِلْ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْاِمْنَةِ وَ اَبْطَلْهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ وَ اَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْاِحْتِيَالِ وَ اَوْهِنْ اَرْكَانَهُمْ عَنِ مُنَازَلَةِ الرِّجَالِ وَ جَبِّتْهُمْ عَنِ مُقَارَعَةِ الْاَهْلَالِ وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ يَبْأَسُ مِنْ بَأْسِكَ كَفِعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ ذَائِرَهُمْ وَ تَحْضُدُ (وَ تَحْضُدُ) بِهِ سُوكُنَهُمْ وَ تَفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ. اللَّهُمَّ وَ امْرِجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ وَ اطْعِمْتَهُمْ بِالْاَدْوَاءِ وَ اَرِمْ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ وَ اَلْحِ عَالِيَهَا بِالْقُدُوفِ وَ افْرِعْهَا بِالْمُحُولِ وَ اجْعَلْ مَبْرَهُمْ فِي اَحْصَى اَرْضِكَ وَ اَبْعِدْهَا عَنْهُمْ وَ اَمْنِعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ، اَصْبَهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَ السَّقْمِ الْاَكْبَرِ: بارخدایا! مشرکان را با مشرکان مشغول دار تا از تجاوز به مرزهای مسلمانان خودداری کنند و از

تعدادشان بگاہ تا از کاستن مسلمانان باز مانند و بین آنان اختلاف و تفرقه ایجاد کن تا در برابر مسلمانان متحد نگردند. بارخدا! دل‌هایشان را از ایمنی و بدن‌هایشان را از قوت و قدرت خالی گردان و افکارشان را از هر گونه طرح و نقشه به فراموشی بسپار و ارکان وجودشان را از جنگیدن با نیروهای پیاده اسلام سُست نما و آن‌ها را از درگیری با دلیران و شجاعان اسلام بترسان و لشکری از فرشتگان با عذاب سختی از عذاب‌هایت مانند کاری که در روز جنگ بدر نمودی بر آنان نازل فرما تا ریشه آنان را قطع سازی و شوکت و بزرگی‌شان را از بین ببری و جمع‌شان را پراکنده نمایی. بارخدا! آب‌هایشان را به وبا و مواد غذایی‌شان را با بیماری ممزوج فرما و شهرهایشان را در زمین فرو بر و بر آن شهرها بلا و گرفتاری پیایی برسان و آن‌ها را دچار قحطی و خشکسالی قرار ده و آذوقه‌هایشان را در تهی‌ترین و دورترین زمین خویش قرار ده و آن‌ها را از قلعه‌ها و پناهگاه‌ها بازدار و آن‌ها را به گرسنگی دائمی و بیماری دردناک دچار فرما.^۱

از این فراز نیز مانند فراز قبلی، دو بهره اساسی می‌توان برد: نخست مطلق‌انگاری در تمایز میان خودی و بیگانه و دوم قاطعیت و جدیت در برخورد با بیگانه. هنگامی که حضرت با چنان جدیتی از نابودی و هدم بیگانه سخن می‌گوید، یقیناً نابودی بیگانه را مترادف با نابودی باطل می‌دانند.
(ج) اقتصاد و سیاست ابرازند، نه هدف:

با دقت در بخش‌هایی از نیایش مرزداران، چنین می‌توان نتیجه گرفت که در دیدگاه حضرت امام سجاد (علیه السلام)، اقتصاد، سیاست و رفتارهای سیاسی (مانند جهاد و ...) در حکم مقدمه‌ای برای امری محوری‌اند که همان عبادت و پرستش خدای تعالی است.

«اللَّهُمَّ وَ تَمَرِّهِ أَمْوَالَهُمْ وَ فَرَّغَهُمْ عَن مَّحَارِبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ وَ عَن مُنَابَذَتِهِمْ لِلخَّلْوَةِ بِكَ: بارخدا! اموالشان (اموال مسلمانان) را افزون نما و آنان را برای عبادت و بندگی از جنگ و

۱. صحیفه سجادیه: صص ۱۶۸-۱۶۶.

محاربه و برای خلوت نمودن با تو از مبارزه با دشمنان فارغ گردان.»^۱
حضرت به صراحت، بهبود وضع اقتصادی و برتری سیاسی را وسیله‌ای در جهت ایجاد فراغت برای مسلمین می‌دانند. فراغتی که باید به عبادت و پرستش خدا و توجه به او اختصاص یابد.

(د) فراگیر بودن نظام اسلامی:

تأکید بر جهان شمول بودن حیطه اقتصادی، سیاسی و لزوم گسترش آرمان توحید در سراسر جهان از دیگر نکاتی است که می‌توان از مضامین نیایش مرزداران استفاده نمود؛ مانند «... حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بِقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرَكَ وَلَا تُعْفَرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جَبَهُ دُونِكَ: تا غیر از تو در روی که زمین کسی مورد پرستش قرار نگیرد و برای هیچ کس جز تو پیشانی به خاک گذارده نگردد»^۲

این جمله، تعیین کننده هدف اصلی تأسیس حکومت اسلامی و وظیفه محوری آن است. بر این اساس حکومت اسلامی و شهروندان زمانی می‌توانند بار مسئولیت خویش را بر زمین بگذارند که از عالم گیر شدن دین خود که همان دین خداست، مطمئن شده باشند.^۳

نتیجه بحث

اوضاع و شرایط سخت در زمان امام سجاد علیه السلام مانع از فعالیت سیاسی ایشان نشد، بلکه ایشان با سلاحی جدید به مبارزه با ستمگران و حکومت‌های جائر وقت پرداختند؛ این سلاح، سلاح دعا بود. مقاله حاضر بیانگر این است که برخلاف تصورات غلطی که ممکن است از امام چهارم وجود داشته باشد مبنی بر اینکه حضرت بخش زیادی از عمر خود را در انزوا و عزلت از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی گذرانده و تنها به دعا و مناجات مشغول بوده است، امام با شجاعت و صلابت و با تدبیر، در کلیه عرصه‌های مزبور حضور فعال داشته‌اند و کتاب صحیفه سجادیه بهترین

۱. صحیفه سجادیه: ص ۱۶۴.

۲. صحیفه سجادیه: ص ۱۶۴.

۳. کوشکی، ۱۳۸۱ش: صص ۱۵۵-۱۴۹.

شاهد این ادعاست. همچنین از این بحث نتیجه می‌گیریم که هر چند امام علیه السلام در شرایط بسیار سخت از لحاظ سیاسی و اجتماعی می‌زیسته است و با چندین خلیفه سرکش اموی هم‌عصر بوده، با این حال برای انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی تلاش بسیار نموده است. همچنین مشخص است که امام علیه السلام در زمینه حفظ اساس اسلام و مصالح آن کوتاهی نمی‌کردند و در همین راستا اندیشه‌های خود را در مورد مسائل مرزبانی کشورهای اسلامی تحت عنوان «نیایش مرزداران» تدوین نمودند. پس می‌توان این‌گونه ابراز کرد که صحیفه سجادیه تنها شامل دعا و مناجات نمی‌شود، بلکه دارای اندیشه‌های سیاسی و دفاعی مهمی است که توسط امام سجاد علیه السلام طراحی شده است. این اندیشه‌های سیاسی و این سیاست‌ها در زمینه‌های مختلفی از سوی امام علیه السلام بیان شده است که در روند پیروزی مسلمانان در دفاع از مرزها، نقش به‌سزایی ایفا می‌کند؛ به‌طور مثال ایشان با برشمردن صفات مرزداران مسلمان، برای دشمنان آرزوی شکست و خواری می‌کند و شدیدترین سختی‌ها و عذاب‌ها را نه تنها برای دشمنان، بلکه برای چهارپایان و گیاهان ایشان از خداوند مسألت می‌نماید.

WWW.KALAM.PK

سخن مترجمان

بررسی اندیشه‌های سیاسی معصومین علیهم‌السلام از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما به نظر می‌رسد که این اهمیت در مورد اندیشه‌های امام زین‌العابدین علیه‌السلام بیشتر از دیگران است و از دلایل آن، تصورات غلطی است که از امام چهارم علیه‌السلام در ذهن مردم وجود دارد؛ تصوراتی دال بر اینکه امام فردی بوده که بخش زیادی از عمر شریف خود را به بیماری گذرانده و به غیر از قلمرو دعا و مناجات به عرصه دیگری وارد نشده است. این تصویری اشتباه است که در ذهن برخی عامه مردم وجود دارد، اما اگر به دعاهای صحیفه سجادیه نگاهی بیندازیم، متوجه خواهیم شد که امام علیه‌السلام در لا به لای این دعاها چه سیاست‌هایی را گنجانده‌اند. یکی از دعاهای امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه، دعا برای مرزداران است؛ این دعا شامل سیاست‌ها و تاکتیک‌های جنگی‌ای می‌شود که امام برای مبارزه با حکومت جائر وقت به کار برده‌اند. با جست‌وجو در منابع موجود، مشخص شد که کتاب‌ها و مقالاتی که به زبان فارسی در این زمینه نوشته شده است بسیار محدود است. لذا بنده پس از آشنا شدن با کتاب «سیاسة الحرب فی دُعاء أهل الثغور»، بر خود لازم دیدیم که این کتاب را از زبان عربی به زبان فارسی ترجمه نماییم. موضوع کتاب، سیاست جنگی

امام سجاد علیه السلام در دعا برای مرزداران است.

مؤلف کتاب، علامه محقق سید جعفر مرتضی عاملی است. ایشان در ۲۵ صفر سال ۱۳۶۴ هـ. ق در روستای «عتیا الجبل» در ۱۱۰ کیلومتری شهر بیروت، واقع در جنوب لبنان به دنیا آمد. نسب خاندان پدری اش به «الحسین ذو الدمعة» فرزند زید، فرزند امام سجاد علیه السلام می‌رسد. ایشان تحصیلات خود را به صورت غیررسمی نزد پدرش که معلم بود، آغاز کرد و در سال ۱۳۸۲ هـ. ق برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف سفر کرد. در سال ۱۳۸۸ هـ. ق به قم مهاجرت نمود و به آموختن درس مشغول شد. از فعالیت‌های مهم ایشان در سال‌های اقامت در قم، می‌توان به پژوهش در زمینه‌های مختلف تاریخ و عقاید شیعه، راه‌اندازی مدرسه علمیه جبل عاملی‌ها و تدریس برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس اشاره کرد. استاد او آخر سال ۱۹۹۳ م، پس از ۲۵ سال اقامت در قم به موطن خود رهسپار شد و تلاش‌های علمی، پژوهشی و تربیتی خود را در جنوب لبنان - که در آن زمان در اشغال اسرائیل بود - ادامه داد. یکی از مهم‌ترین اقدامات نهادی ایشان در مسیر آموزش مبانی اعتقادی، تأسیس حوزه علمیه‌ای در سال ۱۳۷۷ ش در شهر بیروت است.

علامه صاحب مجموعه ۳۵ جلدی معروف «الضحیح من سیرة النبی صلی الله علیه و آله» است که در سال ۱۳۸۶ ش جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داد. برخی از آثار ایشان عبارتند از: الحیاة السیاسیة للإمام الجواد علیه السلام، سلمان الفارسی فی مواجهة التحدی، المواسم و المراسم، الولاية التشریعیة و ایشان در کتاب «سیاسة الحرب فی دعاء أهل الثغور» با شرح ابعاد مختلف دعای امام سجاد علیه السلام درباره مرزداران، به نکات مهمی در لزوم به کارگیری همه راه‌ها و وسایل مشروع برای دفاع از سرزمین‌های اسلامی پرداختند و یادآور شدند که این دعا، مجموعه‌ای بسیار مهم و گرانبه‌تر برای جهان تشیع و همچنین جهان اسلام در تبیین مفهوم جهاد و دفاع است.

پیشگفتار مؤلف

به نام خداوند بخشنده مهربان. حمد و سپاس پروردگار جهانیان و سلام و صلوات بر محمد و خاندان پاکش و لعنت بر تمامی دشمنان تا روز قیامت.

و اما بعد...

اینجانب در پی درخواستی که دوست عزیزی از من داشتند، وعده دادم تا برخی از آنچه را که مربوط به امام سجاد - سلام و صلوات خداوند بر ایشان و خاندان پاکش باد - است، بنویسم.

پس، گزیده‌ای از سیاست جنگ و نبرد در دعای امام سجاد علیه السلام برای مرزداران را، برگزیده و ترجیح دادم که تا حد امکان خلاصه باشد. بنابراین، کتابی را که در اختیار خواننده گرامی قرار می‌دهیم، ثمره این تلاش است. در اینجا لازم است تا چند نکته را خاطر نشان سازم:

موضوع اول:

در آن زمان که بنده این عبارات و نکات را می‌نگاشتم، تنها یک کتاب در اختیارم بود که آن را پس از اتمام بخش زیادی، یافتم؛ این کتاب، کتاب «ریاض السالکین» اثر علامه بزرگ سید علی خان مدنی رحمته الله علیه^۱ بود. امید است که اگر خواننده، نقص یا

۱. علی بن احمد بن معصوم حسینی مدنی شیرازی، مشهور به «سید صدرالدین شیرازی» و «سید علی خان کبیره» و «ابن

کوتاهی در این نوشته دید، به دیده اغماض بنگرد و ما را متوجه آن سازد؛ خداوند خیرش دهد.

موضوع دوم:

آنچه که بنده در این کتاب گنجانده‌ام، بر روی نکات زیر تأکید دارد:

دعای امام سجاد علیه السلام و درخواست کمک و یاری ایشان از خداوند به منظور محقق ساختن این امور، نوعی تلاش و کوشش در جهت محقق شدن آن هاست و اگر این‌ها عملاً و به راحتی تحقق‌پذیر بود، دیگر این استمداد از خداوند معنایی نداشت. بنابراین تلاش و کوشش برای محقق شدن چنین امری با امکانات مادی موجود، توجیه‌پذیر است.

وظیفه ما در این زمینه، تأکید داشتن بر لزوم تلاش برای دستیابی به تمامی آن‌هاست و اینکه آن را چیزی از سیاست جنگ، امور مهم، اهداف یا روش‌های شرعی به حساب آوریم که هیچ چاره‌ای جز وضع مکانیزم‌های عملیاتی و اجرایی برای آن‌ها نیست.

موضوع سوم:

این کتاب همچون اصل دعا (دعای صحیفه در مورد مرزداران)، دارای چهارده فصل است که هر فصل آن، مسائل اساسی و مهم جنگ و نبرد را بررسی می‌کند، با این تفاوت که برخی امور مهم و حساس دیگری نیز همچون تبلیغات جنگی، آمادگی روحی و غیره وجود دارد که در چندین فصل به آن‌ها اشاره شده است.

چه بسا که علت این امر، کوتاهی ما باشد و یا اینکه علت آن، مرتبط بودن این نوع از جنگ با تمامی اقسام و یا حتی بیشتر آن‌هاست.

موضوع چهارم:

ما تصمیم داشتیم که به هر فصل، خلاصه‌ای اضافه کنیم تا بر نکات مهم تأکید گردد، اما از این امر صرف نظر کردیم و این کار را بر عهده خواننده گرامی قرار دادیم.

مقصود، یکی از علمای بزرگ شیعه در اوایل قرن دوازدهم هجری است. سید علی خان کبیر در فقه و اصول و حکمت الهی استاد بی نظیر و در ادبیات عرب و لغت متبحر بود. از او آثار ارزنده‌ای بر جای مانده است که سرآمد آنها کتاب «ریاض السالکین» (شرح صحیفه سیدالسادین علیه السلام) است. (مترجمان)

که ما تمامی آنچه را که این متن به آن اشاره دارد، به طور جدی مورد بحث و بررسی قرار نداده‌ایم؛ بلکه هدف ما آوردن نمونه و مثال است. بنابراین استنباط سایر نکات را به متخصصان و علاقمندان آن واگذار می‌کنیم.

موضوع پنجم:

خواننده عزیز مشاهده خواهد کرد که سخن در شرح این دعا به یک شیوه نیست و در برخی قسمت‌ها اقتضای این را دارد که به بحث مفصل‌تر ارائه شود.^۱ علت این امر این است که ما احساس کردیم که به تفصیل سخن گفتن، موجب شکل‌گیری بحث‌هایی می‌شود که تنها بررسی گذرای آن صحیح نیست و ممکن است به اصل موضوع خدشه وارد سازد و این امر موجب می‌شود که آن (بحث) به صورت ناقص ارائه و یا اینکه به نادرسستی فهمیده شود.

موضوع ششم:

این دعا می‌فهماند که دریای خروشان کرم و جود خداوند، با بخشش کم نمی‌گردد. اگر خداوند تمام یا بخشی از این امر را به آن‌ها عطا کرده است، بی‌تردید علت آن مصلحت آنان بوده است.

و با حمد و سپاس خداوند و سلام و صلوات بر بنمگان برگزیده‌اش، محمد و خاندان پاکش ...

بیروت، ۲۵ مه ۲۰۰۷ م برابر با ۱ جمادی الاول ۱۴۲۸ هـ.

جعفر مرتضی‌عالمی

۱. چرا که در برخی موارد سر بسته سخن گفتن چه بسا به اصل مطلب خدشه وارد کند یا موجب سوء برداشت شود.

آیا امام سجاد علیه السلام برای سربازان حاکمان خرم دعا می‌کند؟!

برخی افراد، سؤالی را مطرح کرده‌اند که مفاد آن چنین است:

هنگامی که امام سجاد علیه السلام، همان کسی است که برای مرزداران دعا می‌کند با این فرض که حاکمان آن زمان بنی‌امیه بودند، همان کسانی که مرتکب قتل عام و کشتار در کربلا شدند، با اهل بیت علیهم السلام کینه و دشمنی ورزیدند و تلاش و کوشش آن‌ها به منظور ریشه‌کن کردن ایشان و شیعیان‌شان بود که همچون آتشی بر مناره و همچون خورشید در روز روشن بودند، آیا این دعا به مثابه اعلام رهنایت از حکومت بنی‌امیه و تأیید قدرت ایشان به حساب نمی‌آید؟!

همچنین این دعا اشاره نسبتاً صریحی به این نکته دارد که تمامی مردم و از جمله شیعیان اهل بیت باید در پایداری مرزها همکاری داشته باشند و این سخن به معنای دفاع از حکومت آن ستمگران و حفظ و پاسبانی از آن و همچنین محافظت از آن‌ها و دفع هرگونه آزار و اذیت از ایشان است و گاهی در پاسخ به این مطلب گفته می‌شود:

امام علیه السلام تنها برای شیعه یعنی کسانی که با غیر شیعه در امر مرزداری، مشارکت و

همکاری می‌کنند، دعا می‌کند؛ پس در حقیقت، دعا فقط برای برخی از مرزداران است، نه همگی آن‌ها...

اما این جواب کافی نیست؛ زیرا ائمه علیهم‌السلام شیعیان خود را از مشارکت داشتن در امر مرزداری در حکومت ستمگران باز می‌دارند؛ پس چگونه امام برای آن‌ها دعا می‌کند در حالی که آن‌ها نافرمانند. به ویژه اینکه در این دعا بسیار اظهار محبت و دوستی و مهربانی به آن‌ها شده است حال آن‌که راه درست، رویگردانی از ایشان و اظهار نارضایتی از مخالفت آن‌ها با وظایف شرعی است. پس اگر کسی در این راه بمیرد، به مرگ جاهلی مُرده است. برخی از روایات به این مسأله تصریح کرده‌اند همان‌طور که در روایات بعدی مشخص خواهد شد...

پس بهتر است که در پاسخ گفته شود:

روایات اهل بیت علیهم‌السلام در رابطه با این موضوع، به چندین بخش تقسیم می‌گردد: بخش اول:

شامل روایت‌هایی است که جهاد همراه با امامی که اطاعتش واجب نیست را حرام می‌داند تا چه رسد به ستمکاران، گمراهان و کسانی که طبق آیات الهی حکومت نمی‌کنند یا بدان ایمان ندارند و همچنین کسانی که حدود الهی را رعایت نمی‌کنند که جهاد همراه با آنان قطعاً حرام است. ما در ادامه برخی از این روایات را ذکر می‌کنیم:

[۱]. از امیر المؤمنین علی علیه‌السلام روایت شده است: فرد مسلمان همراه با کسی که به حکم الهی ایمان ندارد و دستور خداوند را در زمینه «فیء» اجرا نمی‌کند، وارد جهاد نمی‌شود؛ پس اگر در آن مکان بمیرد، یار دشمنان ما در ندادن حق ما و ریختن خون ماست و مرگ او، مرگ جاهلی خواهد بود.^۱

[۲]. از قول بشیر (روغن فروش) روایت شده است که به ابی عبدالله علیه‌السلام گفت: در

۱. به اموالی گفته می‌شود که بدون درگیری و جنگ از کافران به دست مسلمانان می‌افتد. م.

۲. علل الشرایع، ص ۴۶۴؛ الخصال، ص ۶۲۵؛ الوسائل (چاپ مؤسسه آل‌البیت)، ج ۱۵، ص ۴۹ و (چاپ دارالاسلامیه)، ج ۱۱، ص ۳۴؛ جامع احادیث الشیعة، ج ۱۳، ص ۵۱؛ تحف العقول، ص ۱۱۴؛ مصباح البلاغة (مستدرک نهج البلاغة) میر جهانی، ج ۱، ص ۲۴۵؛ البحار، ج ۱۰، ص ۱۰۴ و ج ۹۷، ص ۲۱؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۴۲ و تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۲۳.

خواب دیدم که به شما گفتم: جهاد همراه با امامی که اطاعتش واجب نیست، حرام است همان گونه که (گوشت) مُرده، خون و گوشت خوک حرام است.

پس شما به من فرمودید: بله، همین طور است.

سپس اَبی عبدالله علیه السلام فرمودند: همین طور است، همین طور است.^۱

[۰۳] از محمد بن عبدالله سمندری نقل شده است: به اَبی عبدالله علیه السلام گفتم: در دروازه اصلی شهر هستم که ندا می دهند: سلاح بردارید. پس با ایشان همراهی کردم. سپس امام علیه السلام فرمودند: به گمان تو اگر خروج کنی، مردی را اسیر کرده و به او امان دهی و همان شرطی را با او بگذاری که پیامبر با مشرکان قرار داد: آیا به این عهد تو وفا می کنی؟ [پاییند می ماند و او را امان می دهند؟]

گفتم: نه به خدا سوگند، جانم به فدایتان. آن ها پایبند نمی مانند.

ایشان فرمودند: پس خروج نکن

سپس ایشان به من فرمودند: اما در آنجا شمشیر است (و او را می کشند).^۲

[۰۴] از سماعة که او نیز از اَبی عبدالله علیه السلام روایت کرده و همچنین از اَبی حمزه ثمالی

نقل شده است: مردی به نام عباد بصری به علی بن حسین علیه السلام گفت:

شما به حج روی آورده و جهاد را کنار گذاشته اید، پس حج را برای خود آسان تر یافتید، در حالی که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ؛ یقیناً خدا از مؤمنان جان ها و اموالشان را خریده است.﴾

پس امام علی بن حسین علیه السلام فرمودند: آیه بعدش را نیز بخوان.

پس خواند: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْكَارِعُونَ

بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ﴾: آن مؤمنان، همان توبه کنندگان،

عبادت کنندگان، سپاس گذاران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان،

فرمان دهندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و پاسداران حدود و مقررات

۱. الکافی، ج ۵، ص ۲۷ و ۲۳؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۳۴؛ الوسائل (چاپ مؤسسه آل البيت علیهم السلام)، ج ۱۵، ص ۴۵ و (چاپ دار الإسلامیة)، ج ۱۱، ص ۳۲ و أجوبة مسائل جلاله، سید شرف الدین، ص ۶۲.

۲. التهذیب، ج ۱، ص ۱۳۵؛ وسائل الشیعة (چاپ مؤسسه آل البيت علیهم السلام)، ج ۱۵، ص ۴۸ و (چاپ دار الإسلامیة)، ج ۱۱، ص ۳۴ و جامع احادیث الشیعة، ج ۱۳، ص ۵۲.

خدایند.^۱

علی بن حسین علیه السلام فرمودند: اگر چنین افرادی را ببینیم، چیزی را بر جهاد ترجیح نمی دهیم یا چیزی شبیه آن را.^۲

بخش دوم:

این بخش بر مشروعیت نبرد همراه با امام عادل یا دفاع کردن از جان و مال و مرکب به هنگام حمله ناگهانی دشمن، دلالت دارد؛ از جمله این روایات:

[۱.] امام رضا علیه السلام (در نامه ای) برای مأمون نوشتند: جهاد با امام عادل، واجب است و هر کس که بجنگد و مال و مرکب و جانش را ببازد و کشته شود، شهید است.^۳

[۲.] از امام صادق علیه السلام در «حدیث شرائع الدین» روایت شده است که فرمودند: جهاد با امام عادل واجب است و هر کس که کشته شود و مالش را ببازد، شهید محسوب می شود.

[۳.] از امام علی علیه السلام روایت شده است که به کمیل بن زیاد فرمودند: ای کمیل، تنها با امام عادل به نبرد بپرداز و مور مستحب را فقط با امام فاضل انجام بده.^۴

[۴.] در حدیث (مشهور به چهارصد) از امیر المؤمنین علیه السلام آمده است: فرد مسلمان با کسی که به حکم خدا ایمان ندارد و در زمینه «فیء» دستور خداوند را اجرا نمی کند، وارد جهاد نمی شود؛ پس اگر در آن مکان بمیرد، بار دشمنان ما در ندادن حَقمان و

۱. آیات ۱۱۱ و ۱۱۲ سوره توبه.

۲. التهذیب، ج ۶، ص ۱۳۴؛ وسائل الشیعة (چاپ مؤسسه آل البيت علیهم السلام)، ج ۱۵، ص ۴۶ و ۴۷ و ۴۶ (چاپ دارالاسلامیة)، ج ۱۱، صص ۳۲ و ۳۳ و ۳۲؛ الکافی، ج ۵، ص ۲۲؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۴؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۶؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۳۱؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۸۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، صص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۹۸؛ البحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۱۶ و ج ۹۷، ص ۱۸؛ جامع احادیث الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۷۸ و ج ۱۳، ص ۵۲؛ أعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۳۵ و تأویل الآیات، شرف الدین حسینی، ج ۱، ص ۲۱۱.

۳. تحف العقول، ص ۳۱۳؛ وسائل الشیعة (چاپ مؤسسه آل البيت علیهم السلام)، ج ۱۵، ص ۴۹ و (چاپ دارالاسلامیة)، ج ۱۱، ص ۳۵؛ الخصال، از باب صده بعد، ص ۶۰۷؛ البحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۳ و عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۴.

۴. الخصال، ص ۶۰۷؛ وسائل الشیعة (چاپ مؤسسه آل البيت علیهم السلام)، ج ۱۵، ص ۴۹ و (چاپ دارالاسلامیة)، ج ۱۱، ص ۳۵ و البحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۲۶.

۵. البحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۴ و ۴۱۶؛ بشارة المصطفی، ص ۲۹ و (چاپ مرکز نشر اسلامی سال ۱۴۲۰ هـ)، ص ۵۷؛ وسائل الشیعة (چاپ دارالاسلامیة)، ج ۱۸، ص ۱۶؛ تحف العقول، ص ۱۱۸ و (چاپ مرکز نشر اسلامی، سال ۱۴۰۴ هـ)، ص ۱۷۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۳؛ مصباح البلاغة، میر جهانی، ج ۱، ص ۱۲۵ و نهج السعادة، ج ۸، ص ۲۲۶.

کشتن ماست و مرگ او، مرگ جاهلی خواهد بود.^۱

این شامل حرکت به سمت مرزها جهت مرزبانی و جنگ با دشمن در شهر خودش نیز است.

بخش سوم:

این بخش بر این مسأله دلالت دارد که نمی‌توان کاری را که مردم در آن زمان انجام می‌دادند، جهاد مطلوب و محبوب خداوند نامید و نه مرزدارانی که بدان مأمور شدند؛ پس موارد زیر ملاحظه شود:

[۱]. امام باقر علیه السلام فرمودند: من در این زمان، غیر از حج، عمره و مجاورت خانه خدا،

جهاد دیگری را نمی‌شناسم.^۲

[۲]. از عبدالملک بن عمرو نقل شده است که گفت: ابی عبدالله علیه السلام به من فرمودند: ای عبدالملک، چه شده است، نمی‌بینم که تو به آن مکان‌هایی که هموطنانت به سوی آن می‌روند، بروی؟! گفتم: کجا؟! امام فرمودند: جده، آبادان، مصیبه و قزوین.

پس گفتم: منتظر فرمان شما بودم تا به شما اقتدا کنم.

ایشان فرمودند: اگر خیری در آن بود، آن‌ها از ما سبقت نمی‌گرفتند.

من به ایشان گفتم که زیدیه می‌گویند: بین ما و جعفر هیچ گونه اختلافی نیست، جز اینکه او اعتقادی به جهاد کردن ندارد.

پس ایشان فرمودند: من اعتقاد به جهاد ندارم؟! آری، به خدا سوگند من آن را جهاد می‌دانم، اما اکراه دارم از اینکه علمم را کنار جهل

۱. الخصال، ص ۶۲۵؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۴؛ تحف العقول، ص ۱۱۴؛ وسائل الشیعة (چاپ مؤسسه آل البیت علیهم السلام)، ج ۱۵، ص ۳۹ و (چاپ دارالاسلامیه)، ج ۱۱، ص ۳۴؛ مصباح البلاغة (مستدرک نهج البلاغة)، میرجهانی، ج ۱، ص ۲۴۵؛ البحار، ج ۱۰، ص ۱۰۴ و ج ۹، ص ۲۱؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۴۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۲۲ و جامع احادیث الشیعة، ج ۱۳، ص ۵۱.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۵۱؛ وسائل الشیعة (چاپ مؤسسه آل البیت علیهم السلام)، ج ۱۵، ص ۴۷ و (چاپ دارالاسلامیه)، ج ۱۱، ص ۳۳؛ شرح أصول الکافی، ج ۶، ص ۱۵؛ البحار الانوار، ج ۲۵، ص ۷۴؛ جامع احادیث الشیعة، ج ۱۳، ص ۵۲ و تأویل الآیات، شرف‌الدین حسینی، ج ۲، ص ۸۲۶.

آن‌ها بگذارم.^۱

[۰۳] و در زمینه تفسیر آیه «اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا»: در برابر حوادث شکیبایی کنید و دیگران را هم به شکیبایی وادارید و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید^۲، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: این آیه در مورد ما نازل شد، اما مرزبانی نبود که بعداً بدان امر شویم. پس مرزدار از نسل ما و از نسل ابن نائل خواهد بود.^۳

مراد از ابن نائل - همان‌طور که مشخص است - عباس بن عبدالمطلب است؛ نام مادرش «نثیله» است و این مسأله نیز با مشاهده روایت زیر روشن می‌گردد. از قمی رحمته الله به نقل از امام سجاد روایت شده است: این آیه در مورد عباس و ما نازل شد و مرزبانی در آن نیست که بدان مأمور شویم؛ پس مرزدار از نسل ما و از نسل او خواهد بود.^۴

[۰۴] از امام صادق علیه السلام روایت شده است: جهاد، بهترین چیزها در زمان، جهاد است و جهاد جز همراه با امام [عادل منصوب الهی] نیست.^۵

بخش چهارم

این بخش بر ناچار شدن به مرزداری همراه با ستمگران و منحرفان دلالت دارد؛ پس باید از سرزمین اسلام دفاع کرد، نه از بنی‌امیه و دیگر سلاطین جور؛ روایات زیر را ملاحظه فرمایید:

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۹؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۲۶؛ وسائل الشیعة (چاپ مؤسسه آل البیت)، ج ۱۵، ص ۴۶ و (چاپ دارالاسلامیه)، ج ۱۱، ص ۳۲؛ خاتمة المستدرک، میرزا نوری، ج ۴، ص ۴۵۱؛ جامع احادیث الشیعة، ج ۱۳، ص ۵۰ و اِکلیل المنهج فی تحقیق المطلب، کرباسی، ص ۳۴۸.
۲. آیه ۲۰۰ سوره آل عمران.
۳. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۱۳ و ج ۲، ص ۲۰۵؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۳؛ البرهان، ج ۲، ص ۱۵۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۲۷ و ج ۲، ص ۱۹۶؛ تفسیر کنز الدقائق، ج ۲، ص ۲۳۰؛ الإختصاص، شیخ مفید، ص ۷۲؛ البحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۸۹ و ج ۲۴، صص ۲۱۹ و ج ۲۴، ص ۳۷۹ و ۳۷۹ و ج ۴۲، ص ۱۵۰ و ج ۵۵، ص ۲۴ و جامع احادیث الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۶.
۴. البرهان، ج ۴، ص ۵۹۱؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۲ و همچنین متن دیگری دارد که آن را در البرهان ذکر کرده است، ج ۲، ص ۱۵۰؛ کتاب الغیبة للنعمانی، ص ۲۰۶؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۲۷ و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۱۲.
۵. البحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۰ و ج ۹۷، ص ۲۵؛ الوسائل (چاپ مؤسسه آل البیت)، ج ۱۱، ص ۱۱۹ و (چاپ دارالاسلامیه)، ج ۸، ص ۸۳؛ کامل الزیارات، ص ۵۵۲ و جامع احادیث الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۷۷ و ج ۱۲، ص ۴۰۱ و ج ۱۳، ص ۱۸.

[۱]. از یونس روایت شده است: مردی از اباالحسن (امام رضا علیه السلام) سؤال کرد و من در آنجا حاضر بودم. پس گفتم: (در ظاهر «فقال» صحیح است) جانم به فدایتان، به گوش یکی از یاران شما رسیده است که مردی شمشیر و اسبش را در راه خدا می‌بخشد پس وی به نزد او رفته و آن‌ها را از وی گرفته است؛ سپس یارانش وی را دیده و به او گفتند که همراهی با اینان جایز نیست و از او خواستند که آن‌ها را پس دهد.

پس امام فرمودند: باید این کار را انجام دهد.

گفتم: به دنبال آن مرد است، اما او را پیدا نکرده است و به او گفته شده که آن مرد، مُرده است.

ایشان فرمودند: باید به مرزداري پردازد، ولی وارد جنگ و نبرد نشود.

گفتم: مثل قزوين، عسقلان و هيلم و هر آنچه شبیه این مرزهاست؟! فرمودند: بله.

گفت: اگر به جایی که او در آن به مرزبانی می‌پردازد، دشمن وارد شود، چه باید کرد؟ فرمودند: برای دفاع از سرزمین اسلام بجنگد (بر علل این سخن افزود: نه به جهت دفاع از اینان).

گفتم: جهاد می‌کند؟

فرمودند: نه، مگر اینکه بیم نابودی سرزمین اسلام برود.

گفتم: آیا نظر شما این است که اگر رومیان وارد سرزمین مسلمانان شوند، نباید مانع آن‌ها شوند؟!

فرمودند: باید به مرزداري پردازند، ولی وارد جنگ و نبرد نشود. پس اگر بیم نابودی

سرزمین اسلام رود، بجنگد؛ پس وی برای دفاع از جان خود می‌جنگد، نه برای دفاع از حاکم، چرا که در صورت از بین رفتن و کم‌رنگ شدن اسلام، یاد و نام محمد صلی الله علیه و آله

هم کهنه و بی‌رنگ خواهد شد.^۱

۱. التهذيب، ج ۶، ص ۱۲۵؛ علل الشرایع، ص ۶۰۳؛ الکافی، ج ۵، ص ۲۱؛ البحار، ج ۹۷، صص ۲۲ و ۲۳؛ جامع أحادیث الشيعة، ج ۱۳، صص ۲۷ و ۵۴ و وسائل الشيعة (چاپ مؤسسه آل البيت عليه السلام)، ج ۱۵، ص ۳۰ و (چاپ دارالاسلامية)، ج ۱۱، ص ۲۰.

محمد بن عیسی به نقل از امام رضا علیه السلام گفته است: یونس از امام علیه السلام در مورد مردی پرسید که مرده و وصیت کرده است که [از اموالش] یک اسب، هزار درهم و یک شمشیر را به کسی که به جای او مرزداری می‌کند و در برخی از این مرزها می‌جنگد، بدهند. پس وصی این کار را کرد و تمامی آن‌ها را به فردی از یاران ما واگذار کرد؛ پس وی آن‌ها را گرفت در حالی که نمی‌دانست آیا هنوز وقتش رسیده... شما چه می‌گویید؟ آیا جایز است که این مرد در یکی از این مرزها، به جای وی مرزداری کند یا نه؟

امام فرمودند: هر آنچه را که از وصی گرفته است، به او برگرداند و مرزداری نکند؛ زیرا هنوز وقت آن نرسیده است.

پس گفت: به او برمی‌گرداند.

سپس یونس گفت: او وصی را نمی‌شناسد و از جا و مکانش خبر ندارد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: دو مورد او پُرس وجو می‌کند.

پس یونس بن عبدالرحمن به امام گفت: جست وجو می‌کند، ولی نمی‌یابد؛ پس تکلیف او چیست؟

امام فرمودند: اگر اینچنین است پس باید مرزداری کند، نه اینکه بجنگد.

پس یونس به ایشان گفت: در حالی که او مرزداری می‌کند، دشمن آمده و نزدیک است که وارد خانه او شود، پس چه باید انجام دهد؟! بجنگد یا نه؟

امام رضا علیه السلام فرمودند: اگر اینگونه است که فقط باید به خاطر دفاع از سرزمین اسلام بجنگد، نه به خاطر آنان؛ زیرا اگر سرزمین اسلام نابود شود، ذکر و نام محمد صلی الله علیه و آله نیز

کهنه و بی‌رنگ خواهد شد و الی آخر...!

پس از آنچه که گذشت، خاطر نشان می‌کنیم:

اگر به دعای امام سجاد علیه السلام برای مرزداران برگردیم و آن را با مضامین این روایات مقایسه کنیم، خواهیم دید که کاملاً با آن منطبق است و آن دعا برای آن کسانی

۱. قرب الإسناد، صص ۳۴۵ و ۳۴۶؛ البحار، ج ۹۷، صص ۶۲ و ۶۳؛ وسائل الشیعة (چاپ مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام)، ج ۱۵، ص ۳۲ و (چاپ دارالاسلامیه)، ج ۱۱، ص ۲۲ و مستند الإمام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۱.

است که به منظور دفاع از سرزمین اسلام و مسلمانان می‌جنگند یا حداقل دعای مرسومه است برای کسی که مرزداری می‌کند و مرزداری و نبرد وی، مطابق موازین شرعی است، اگر چه ممکن است مصداق آن صدها سال دیگر رخ دهد. [یعنی دعا در چنین آدم‌هایی که در آینده از مرزهای اسلامی دفاع و مرزداری می‌کنند (مثل رزمندگان اسلام در ایران یا لبنان در زمان)]

و اما دلیل آن: مضامین این دعا، خود نشان از این دارد که امام علیه السلام برای مردمی دعا می‌کند که در نهلیت تقوا، پاکی، درستی و رستگاری هستند؛ آن‌ها را فرمانبردار خدا و پیغمبرش و عامل به احکام شرعی می‌بیند؛ آن‌ها مایه رضایتمندی خدا و جلب محبت او هستند و نهایتاً هر گونه لطف و کرامت از جانب او می‌باشند؛ پس اگر اینان در مرزداری و جهادشان نافرمان بوده و احکام الهی و شریعت او را رعایت نمی‌کردند، اینگونه در مورد آن‌ها سخن نمی‌گفت.

این امر مؤید این نکته است که برگزیدگان و نیکان، مقصود این دعا هستند؛ همان کسانی که همراه با امام عادل می‌جنگند یا کسانی که از سرزمین اسلام و مسلمانان دفاع می‌کنند نه از بنی‌امیه و دیگران از ستمگران و کمراهان.

به بیانی واضح‌تر و روشن‌تر: در اینجا دو فرضیه صحیح در راستای این دعا وجود دارد:

اولین فرضیه: امام علیه السلام قصد دارد که در هر زمان که شرایط مرزداری فراهم شود، چگونگی دعا برای مرزداران و مجاهدان را برای مؤمنان بیان کند؛ آن زمانی است که حاکم عادل، امام یا نایب فقیه و عادل او حضور داشته باشد، همان‌گونه در زمان ما چنین است.

دومین فرضیه: این دعا مخصوص کسانی است آن زمان که بیم نابودی سرزمین اسلام و دینداران می‌رود، به منظور دفاع از دین و اهل آن می‌جنگند؛ حال فرقی ندارد که این در زمان امام علیه السلام حاصل شود یا در زمان غیبت حتی پس از گذشت صدها سال...

هر کس که به مضامین این دعا برگردد رجوع کند، درستی سخن ما برایش مشخص

می‌شود؛ پس عبارات زیر را مشاهده کنید:

بخشی از دعاهای امام سجاد علیه السلام:

امام علیه السلام فرمودند: «اللَّهُمَّ وَائِمَا عَزَّاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَحِزْبُكَ الْأَقْوَى...: الهی هر رزمنده از اهل آیین تو که با آنان نبرد کند و هر مجاهد از پیروان سنت تو که با آنان جهاد نماید، تا دین تو برتری یابد و حزب تو نیرومندتر شود...»

امام علیه السلام در دعای خود برای فرد مبارز و مرزدار، فرمودند: «وَاجْعَلْ فِكْرَهُ وَذِكْرَهُ وَطَعْنَهُ وَاقَامَتَهُ، فَيْكٍ وَ لِكٍ. فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ...: و فکر و ذکر و مسافرت و اقامتش را در راه خود و برای خود قرار ده. وقتی که با دشمنت که نیز دشمن اویند به مصاف ایستند عدد ایشان را اندک نمای.»

و همچنین دعا نمودند: «إِذَا قَضَى اللَّهُ بِالشَّهَادَةِ أَنْ تَكُونَ «بَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ»: و پس از آنکه اطراف سرزمین‌های مسلمانان امنیت یافت.»

نیز فرمودند: «اللَّهُمَّ وَائِمَا مُسْلِمٍ أَهْلَهُ أَمْرَ الْإِسْلَامِ، وَ أَحَزَنَهُ تَحَرُّبُ أَهْلِ الشِّرْكِ عَلَيْهِمْ فَتَوَى عَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ...: بار خدایا! هر مسلمانی که امر اسلام او را مهم آید و از اجتماع اهل شرک در برابر ملت اسلام غصه‌دار شود تا جایی که قصد جنگ کند یا آهنگ جهاد نماید...»

فرمودند: «اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنِ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ، وَ خُذْهُمْ بِالتَّقْصِ عَنِ تَنْقِصِهِمْ، وَ تَبْطُلْهُمْ بِالْفَرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ: بار خدایا! مشرکان را به مشرکان گرفتار ساز تا از دستیابی بر سرزمین‌های مسلمانان بازمانند و آنان را با کاستن عددشان از کاستن مسلمین بازدار و رشته اتحادشان را بگسل تا از همدستی علیه مسلمین بازمانند.»

و نیز فرمودند: «وَ شَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ وَ نَكَلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ، وَ اقْطَعْ بِخَزِيمِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ: و با شکست دشمن جمع پشت سرایشان را متفرق کن و به واسطه شکست اینان پیروانشان را از ادامه جنگ بازدار و با خواری و زبونی آنها طمع کسانی را که پس از آنها آیند قطع ساز.»

و فرمودند: «حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرَكَ. وَلَا تُعَفَّرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جِهَةٌ دُونَكَ: آن چنان که در سراسر زمین جز تو پرستش نشود و احدی از آنان جز برای تو صورت به خاک نسایند.»

تمامی این عبارات و غیر آن، هر آنچه را که در این روایات وارد شده است، تأیید می‌کند و بر این نکته دلالت دارند که امام علیه السلام از آن مرزدارانی سخن می‌گوید که شرایط صحیح مرزداری و نبرد برای آن‌ها فراهم شده است و نیت و اهداف آنان صحیح است. هدف آن‌ها این است تا با مرزداری و جهاد، دین را در تمامی سرزمین‌ها برپا کنند، به طوری که هیچ کس معبودی جز خدا نگیرد و پیشانی برای غیر خدا به خاک نساید تا دین خدا، برترین دین و حزب الله، قوی‌ترین حزب‌ها گردد. یا آن‌ها می‌خواهند با مرزداری و جهادشان، سرزمین‌های مسلمانان را در امنیت قرار داده و مانع از آسیب رساندن دشمن به آن‌ها شوند، بسیج مشرکان را از سر مسلمانان و اسلام بردارند؛ آن‌ها قصد ندارند تا با این کار از حکومت بنی امیه یا از غیر ایشان یعنی گمراهان و ستمگران دفاع کنند.

اُمّه علیه السلام تصریح کرده‌اند که شرایط مشروع مرزداری در زمان ایشان فراهم نبوده است، همان‌طور که حدیث روایت شده از امام باقر علیه السلام و دیگر احادیث به این مسأله اشاره دارد.

خلاصه اینکه: هدف، فقط بیان دعای مرسوم برای مرزداران در هنگام حضور امام عادل است و اینکه این دعا مخصوص مرزداران است آن زمان که کیان اسلام در معرض خطر قرار گیرد و آن‌ها باید از مسلمانان و سرزمین ایشان دفاع کنند. نه از آن حاکمان...